ستاره سینما

عکس هفته

اوا بارتوك ـ کورد یورگنز

درصحنه‌ای ازفیلم (دوبله بفارسی)

اراده

که درهمین هفته درسینماهای دیانا وتهران نمایش

داده خواهد شد

تشکیل یك استودیوی مجهز و آبرومند

چندماه بود که شایعهٔ تشکیل یك استودیوی جدید شنیده میشد و حتی برخی با در نظر گرفتن عدم تشویق دولت و عوارض سنگین و شکست بازار فیلمهای فارسی اقدام به تأسیس استودیوی جدید را امر غلطی میدانستند. بعد از تحقیقات کافی معلوم شد که موضوع تأسیس استودیوی جدید به اسم «آزیر» صحت دارد و این استودیو هم اکنون در خیابان سی متری کوچه کلانتری محل مناسبی اجاره کرده و مشغول تکمیل و تجهیز دستگاههای فیلمبرداری است. ریاست شرکت سهامی استودیوی آزیر فیلم بعهدهٔ آقای «ژوزف واعظیان» میباشد و مدیر فنی و کارگردان دائمی استودیو آقای ساموئل خاچیکیان است که خود یکی از شرکای استودیو میباشد.

و نیز آقای دکتر شاهرخ که یکی از تهیه کننده‌های جوان فیلم‌های فارسی است همکاری نزدیکی با استودیوی نامبرده مینماید و برای تهیه چندین فیلم قرارداد بسته و امور اداری و تهیه فیلمهای استودیو را نیز در دست گرفته است.

تا آنجاییکه ما تحقیق کردیم تشکیل دهندگان شرکت آزیر فیلم عموماً جوانهای هنر دوست هستند که هیچگونه نظر مادی ندارند و فقط بمنظور ترقی و پیشرفت صنعت فیلمبرداری فارسی متحمل مخارج هنگفت شده‌اند و ما انتظار داریم که مقامات مسئول این اقدام مفید را تشویق نمایند.

گویا از اوایل مرداد ماه استودیو افتتاح رسمی خود را اعلام نموده شروع بکار نماید. یکی از شرکای استودیو هفته قبل برای خرید قسمتی از لوازمات عمده فیلمبرداری باروپا عزیمت کرد.

از برنامه فیلمهائی که این استودیو در نظر دارد تهیه نماید هنوز خبری کسب نکرده‌ایم ولی گویا استودیوی آزیر فیلم باهمکاری دکتر شاهرخ در نظر دارند در عرض ۱۸ ماه سه فیلم با کارگردانی ساموئل خاچیکیان تهیه نماید که در موقع خود راجع به آنها صحبت خواهیم کرد.

دعوت

طبق خبر واصله استودیو

فالگوش

(کاروان فیلم) از یك فیلمبردار انگلیسی دعوت بعمل آورده که برای مدت دوهفته بایران آمده و مهمان استودیو مذکور باشد. مدیر استودیو کاروان فیلم اظهار میداشت که فیلمبردار مورد نظر پس از دوهفته توقف در ایران بدیدار دیگر کشورهای خاورمیانه خواهد رفت و از تأسیسات سینمائی این کشورها دیدن خواهد نمود.

برادر سردار ساکر هم بایران می آید

هفته گذشته برادر سردار ساکر (کارگردان هندی فیلمهای فارسی) که از هم اکنون خود را ستاره بست کارگردان و غیره معرفی کرده است، وارد تهران شد گویا سردار ساکر و برادرش تصمیم گرفته اند فعالیت‌های جدیدی در زمینه سینما و فیلمبرداری آغاز کنند و نتیجه کار آنها بزودی آشکار خواهد شد.

ظریفی میگفت که برادر سردار ساکر اگر واقعاً کارگردان هنرمندی برای سینمای ایران است، میبایست بنا بمعمول دارای یکی از این سه خصوصیات باشد یا ریش و عمامه داشته باشد یا عینك بنی بچشم گذارده باشد و یا زبان فارسی را خوب بداند!

«نون حلال» و «تفکری»

گویا «پارسفیلم» دیگر تصمیم بتهیه فیلمهای مجلل تاریخی «شاهکار های نیره و نتیجه‌دار» ندارد...

ومیتوان فیلم «یعقوب لیث صفاری» را آخرین شاهکار «استودیو پارسفیلم» نامید. چونکه مسئولین این استودیو اخیراً دست بتهیه یکسری فیلمهای کمدی زده‌اند، ازجمله فیلم «نون حلال» است که درعرض همین هفته فیلمبرداری آنرا شروع خواهند کرد سناریوی این فیلم که توسط «محمد زرین دست» تهیه وتنظیم شده دارای سوژه‌ای کمدی انتقادی میباشد برای ایفاء رل اول آنهم از «تفکری» هنرپیشه کمدی معروف دعوت بعمل آمده، مورد قبول وی واقع شده است.

«تفکری» بعد ازچند سال کناره گیری از عالم سینما با شرکت در فیلم «نون حلال» مجدداً فعالیت سینمائی خود را شروع میکند.

سایر رلهارا هم بانو «سوسن» و «محمد زرین دست» و ..... بعهده دارند.

با تهیه فیلم «نون حلال» فصل جدیدی در استودیو «پارسفیلم» شروع میشود، حال این فصل چه از آب درآید خدا عالم است!

«دلقك»

«دلقك» هم فیلم دیگری است که سناریوی آنرا «محمد زرین دست» تهیه وتنظیم نموده و قرار است، بلافاصله بافیلم «نون حلال» در پارسفیلم شروع بتهیه نمایند.

در این فیلم هم «تفکری» و «محمد زرین دست» و ... رلهای اول را ایفاء میکنند.

«دلقك» دارای سوژهٔ جالب وشیرینی است. و اطراف زندگانی شخص ثروتمندی دور میزند که با پیداشدن زنی زیبا در زندگانی او اززن و فرزندو... خوددست کشیده بدنبال وی روان میشود... وچگونه انجام زندگانیش گسیخته شده اززن و فرزندش دورمیافتد... و بالاخره پس ازگذشتن مدت زیادی پسرش دکتر شده طی حوادثی چند با پدرش روبرو میشود ولی متاسفانه هیچکدام یکدیگر را نمیشناسند... تا اینکه دست تقدیر وی را با زنش روبرو میکند. زنش او را شناخته جریانرا برایش تعریف میکند... ولی این مرد که روزی هنرمند معروف تآتر بوده، مردم برای دیدنش سرودست میشکستند، اما امروزدیگر فراموش شده حتی یکنفرهم باو نگاه نمیکند حاضر نمیشود خودرا بپسرش که وی را هنوز آنمرد مقتدر و مشهور دیروز میداند معرفی کند و ... جریانات وحوادث شیرین که درطی داستان تا پایان فیلم ادامه دارد...

تصادف

حسین دانشور هنرپیشه معروف ایرانی درهفته گذشته بعلت تصادف سخت مجروح گردیده و در بیمارستان هشترودیان بستری شد شدت تصادف بحدی بود که دندانهای دانشور، خرد گردید.

بطوریکه خبرنگارما اطلاع میدهد دانشور اواخر هفته گذشته از بیمارستان مرخص شد وفعلاً درحال استراحت است.

ما امیدواریم وی منبعد از گزند حوادث مصون باشد.

صاحب امتیاز و مدیر
پانروژ گالستیان
باهمکاری
روبرت اکهارت
سال چهارم - شماره ۱۱۹ - یکشنبه ۱۶ تیر ۱۳۳۶
محل اداره - خیابان منوچهری پاساژ لعل
تکشماره ۱۰ ریال - اشتراك سالیانه ۵۰۰ ریال
چاپ مصور تلفن ۴۵۰۶۵ - گراورسازی خواندنیها

روی جلد برت لنکستر

تازه‌ترین و آخرین اخبار جهان

از یك كارگردان بزرك

سر كارول رید نابغه سینمای انگلستان که فیلمهای پنجه عدالت و مرد سوم اورا دوستداران سینما هرگز فراموش نخواهند کرد طی قراردادی که جدیدا با کمپانی هکت، هیل ولنکستر منعقد نموده درآینده سه‌فیلم تهیه و کارگردانی خواهد نمود که هرسه این فیلمها توسط کمپانی یونایتد آرتیستس درجهان توزیع خواهند شد.

نخستین فیلمی که قراراست در همین روزها فیلمبرداری آن آغاز شود «صخره بعدا در آمد» نام دارد که ازداستان «ری برادبوری» اقتباس شده‌وسنا ریوی آنرا برادبوری باتفاق «رید» تنظیم نموده‌اند.

«باطلها سخن گوئید» اثر رابرت کریس دومین فیلمی است که کارول رید تهیه آنرا شروع خواهد نمود فیلمبرداری این فیلم که شاید به «کیمبرلی» تغییر اسم دهددرافریقای جنوبی انجام‌خواهد یافت.

سناریوی سومین فیلم از یك ایده شخصی کارول‌رید بوجود خواهدآمد و جریان داستان در پنج کشور مختلف اتفاق میافتد و «رید» در نظر دارد بهیچوجه از یك گراند مصنوعی استفاده ننموده وفیلمبرداری را در محلهای اصلی انجام دهد.

...وازداماد دومیل

سیل ب. دومیل که بعد از فیلم «ده‌فرمان» دیگر خود را بازنشسته نموده‌است گویا درنظر دارد جای خودرا درصنعت سینما به داماد خود «آنتونی کوئین» بسپارد.

ازمدتی پیش سروصدای تهیه فیلم عظیمی بنام «دزد دریائی» در کمپانی پارامونت شنیده میشود که هنرپیشگان آن یول براینر،چارلتون هستون و شارل بوایه میباشند و کارگردانی آنرا آنتونی کوئین (برنده دوجایزه اسکاردرجه‌دو) برعهده‌دارد.

این فیلم که توسط هنری ویلکوکسن یکی از مریدان دومیل تهیه‌میگردد (واین شخص یکی از رلهای حساس فیلم‌را هم برعهده دارد) فیلمبرداری آن‌در تحت‌نظر مستقیم دومیل انجام خواهدپذیرفت وازقرارمعلوم یکی از محصولات تجارتی ومجلل(بسبك آثاردومیل) سال‌آینده پارامونت بشمارخواهد رفت.

نظر محافل سینمائی

بالاخره فیلم «سن‌ژان» اثر اتوپرمینگر برویپرده آمد و تا آنجا که‌ما اطلاع داریم‌چندین‌مجله برجسته سینمائی نظریات مختلفی درباره آن ابرا داشته‌اند.

دراین فیلم‌که از نمایشنامه معروف برناردشاو نویسنده شهیر ایرلندی اقتباس‌شده «پرمینگر» برای چندمین‌بار در تاریخ سینما محاکمه تاریخی ژاندارك‌را مورد گفتگو قرارداده ولی برای اولین بار این کارگردان بزرك سعی نموده‌جنبه‌حقیقی امرراحفظ نماید لذا درفیلم خود بنحو زننده‌ای به انگلستان حمله کرده و آنها را در مورد محاکمه‌وسوزاندن بزرگترین شخصیت زن‌تاریخ‌مسئول ومحکوم نموده‌است

بواسطه بودن‌همین ایده و منظور درمتن فیلم‌است که بعضی‌از منقدین متعصب ازتحسین و تمجید این‌اثر جدید پرمینگر خودداری نموده‌اند.

منقد مجله «موشن پیکچر هرالد» سن‌ژان‌رایك فیلم «خوب» تشخیص داده ولی بازی‌جین‌سیبرك رابعد ازاینهمه تبلیغ وپروپاگاند چیزفوق‌العاده‌ای نداسته وحتی چنین نظرداده است که درمقابل هنرپیشگان ورزیده‌ای چون‌ریچارد ویدمارك، جان‌جیلگود وریچارد- تاد بازی‌این هنرپیشه بیتجربه خیلی خام وضعیف بنظر میآید در حالیکه بواسطه آنکه نقش اصلی فیلم برعهده اوست میبایست [illegible] میشد که بازی سایرین را [illegible] تحت‌الشعاع قراردهد عده دیگری ازمنقدین نیز برخلاف این‌عقیده بازی (جین‌سیبرك) راعالی تشخیص داده‌اند راستی «تعصب» چه [illegible] مهمی درانتقادات منقدین [illegible] دارد!!

سری دو

گویا فیلم «زن طراح» [illegible] وجوديكه‌چند ماهی نیست که [illegible] درآمده مذاق تهیه کنندگان [illegible] خیلی شیرین آمده زیراخبر میرسد که کمپانی مترو درنظردارد [illegible] دیگری بنام«زن طراح بجنگ‌میرود» بسازد که درحقیقت دنباله فیلم [illegible] میباشد.

دراین فیلم‌جدید بازگریگوری پك ولورن‌باکال ودلوروس‌گری رلهای نخست رابرعهده خواهد داشت وونیسنت‌مینلی بخت برگ باردیگر کارگردانی آنرا انجام خواهد داد.

دراینجا هم بازگریگوری‌پك یك خبرنگارمشهوری است که به ماموریتی اعزام میشود ولورن‌باکال یك طراح لباس اورا تعقیب میکند ودلوروس گری بین آنهارا شکراب میسازد.

یك فیلم ایتالیائی

هیئت‌ژوری فستیوال کان بهترین هنرپیشه زن سال را«جلیتاماسینا» درفیلم «شبهای کابیریا» انتخاب نموده‌اند.

این فیلم که ازمحصولات [illegible] امسال کشورایتالیا محسوب میگردد بکارگردانی فدریکوفلینی ودو نفر دیگر بنام فلایانو و پینلی تنظیم شده وسوژه آن درباره [illegible] فقیری است بنام کابیریا که باحیا [illegible] گردی ودر کوچه پس کوچه‌ها زندگی خودرا میگذراند. این موجود [illegible] روزدرزندگی هیچگاه‌روی خوش [illegible] راندیده وهربار که بشخصی اعتماد نموده‌جز شکست، بدبختی و [illegible]

اتوپرمینگر وجین‌سیبرك بچه میخندند؟!

کارگردان ایرانی درهالیوود!

«جمشید شیبانی» پس از موفقیت جالب توجه ایکه در تهران
ست آورد «؟» بآمریکا عزیمت نمود تا خوش بگذراند ، درعکس
لا شیبانی باتفاق دکتر بهبهانی و هنرپیشه معروف هالیوود (گای
ادیسون) دیده میشوند وازلبخند شیبانی چنین معلوم است که میخواهد
ایش گرددو بشکند!

عکس از باباپانس

...وهیگری نصیب او نشده است.
...خوبی بازناسق او برای دستیابی
...پولهایش قصد جان اورامینماید.
بعد ازاین واقعه باز کابیریا با
...فروشی زندگی خودرا ادامه
...بعد وباردیگر مرد جوانی درسر
...راه او قرار میگیرد. اینبار کابیریا
...چنین می پندارد که با عشق حقیقی خود
...او تقدیم نماید.
...اتفاقاً صورت ظاهر این مرد
...ورا انسانی قابل اعتماد وشریف
نشان می دهد و لذا تماشاچی چنین
می پندارد که دیگر دوران تلخ زندگی
کابیریا بسر رسیده است اما بعداز
مدتی حقیقت تلخ نمودار میگردد.

شبهای کابیریا یک اثر ناتالیستی
صرف بشمار میرود ودارای پایانی
تراژیک میباشد. علاوه برجلیتا ماسینا که در نقش کابیریا واقعاً محشر
می کند سایر هنرپیشگان فیلم فرانسوا
پریه، فرانکامارزی وآمدئو -
نانتزاری میباشند.

فدریکو فلینی کارگردان فیلم «شب های کابیریا» بعداز اعلام رای هیئت ژوری همسر خود «جلیتا ـ ماسینا» بواسطه موفقیتی که نصیبش گردیده در آغوش گرفته است.

فیلمهای جدید

✵ دانا آندروز باتفاق استرلینگ هیدن واینداوارد درفیلمی بنام «ساعت صفر» شرکت دارند که دارای داستانی مهیج وجالب میباشد. این فیلم در کمپانی پارامونت تهیه میشود و ناظرین امر عقیده دارند که دانا آندروز بوسیله آن میتواند شهرت ازدست رفته خودرا باردیگر بدست آورد.

✵ هنری فاندا، تهیه کننده و هنرپیشه «۱۲ مرد خشمگین» درنظر دارد یکی از برنامه‌های معروف تلویزیون را بنام «مقلد» بروی پرده آورد.

این فیلم را که دارای یک سوژه دراماتیک وابتکاری خواهد بود فاندا شخصاً تهیه و بازی خواهد نمود.

✵ فیلمبرداری فیلم «کشور بزرگ» باشتراک گریگوری پک، جین سیمونز و بورل ایوز در کالیفرنیا شروع گردید.

این فیلم را ویلیام وایلر نابغه عظیم جهان سینما تهیه و کارگردانی مینماید.

✵ «افسانه دو شهر» اثر نامی چارلز دیکنز داستانسرای بزرگ انگلستان بزودی با شرکت هنرپیشگانی نظیر دیرک بوگارد ودوروتی تانین بصورت یک فیلم برجسته در خواهد آمد.

کارگردانی فیلم را رالف توماس برعهده دارد و دیرک بوگارد نقش سیدنی کارتون ودوروتی تانین نقش لوسی مانت را برعهده خواهند داشت. تهیه کننده فیلم بتی باکس میباشد.

✵ مایکل آندرسن کارگردان فیلم «دور دنیا درهشتاد روز» که باهمان نخستین فیلمش کلیه انظار را بخود معطوف نمود وحتی کاندید دریافت جایزه بهترین کارگردان سال گردید بزودی فیلمی بنام «اسرار پرواز ۷۷۷» راکارگردانی خواهد نمود که سوژه آن درباره همسان پروازی است که لسلی هوارد (فقید) هنرپیشه معروف فیلمهای برباد رفته ورومئو وژولیت در آن جان خودرا ازدست داد.

تهیه کننده فیلم هربرت ویلکاکس درنظر دارد که یک هنرپیشه معروف انگلیسی راکه هنوز نام او فاش نگردیده راضی نماید نقش لسلی هوارد را دراین فیلم ایفاء کند.

اخبار باختصار

✵ ژانت ملتادو بالدخوانده معروف سوپرانو که مدتی است دیگر درفیلمها شرکت نمی کند واز فیلمهای بزرگ او می توان ذلاله در سانفرانسیسکو ورززماری را نام برد هفته گذشته جشن بیستمین سال ازدواج خودرا باجین ریمون برپا نمود.

شوهر این هنرپیشه از آکتورهای باسابقه تئاتروسینما می باشد وما اورا درفیلم «مدال طلا» برای آخرین بار زیارت نمودیم.

✵ دکس هرپیوت که چندی قبل خبر طلاق اورا ازالیلی پالمر شنیدید هفته گذشته باکی کندال هنرپیشه معروف انگلیسی که دراین اواخر شهرتی کم نظیر کسب نموده ازدواج نمود.

خوانندگان گرامی کی کندال را چندی قبل درفیلم «ژنویو» دورواردن درنقش مقابل رابرت تیلور مشاهده نمودند.

✵ بیستم ژوئن فیلم سرزان در «لایستر اسکوبر تیاتر» شهر لندن طی تشریفات باشکوهی افتتاح گردید وکلیه درآمد این شب را اتو پرمینگر بیک جمعیت خیریه اهداء نمود.

✵ تورین تاچر ومالی رودن برتعداد هنرپیشگان سابق فیلم «شاهد برای تعقیب» اضافه شدند.

همانطوریکه خوانندگان اطلاع دارند این فیلم بکارگردانی بیلی وایلدر وباشتراک تایرون پاور و مارلن دیتریش وچارلز لاتون برای کمپانی یونایتد آرتیستس تهیه میشود.

✵ دیوید نیون که با فیلم «دور دنیا درهشتاد روز» شهرتی عجیب کسب نموده وبعد از آنکه لارنس اولیویر از بازی درفیلم «میزهای جدا ازهم» منصرف گردید توسط کمپانی هکت هیل ولنکستر برای نقش مزبور در نظر گرفته شد.

دیوید نیون فیلم فوق را که هنرپیشگان دیگر آن ریتاهیورث و برت لنکستر ودبورا کار میباشند بعد از اتمام فیلم «سلام برغم» شروع خواهد کرد.

«سلام برغم» توسط اتو پرمینگر درپاریس تهیه میشود وعلاوه بر نیون، دبورا کار وجین سیبرگ هم در آن شرکت دارند.

بررسی گذشته‌های یک فرم هنری | فصل دوم: اوج سینمای صامت

تجزیه و تحلیل سبک‌ها و مکتب‌های سینما

تألیف: هژیر داریوش

مکتب مستند (۲)

درشماره گذشته، اشاره بآن کردیم که حاصل زحمات فلاهرتی، غزلیات زیبائی‌را از طریق نوار سلولوئید ارائه میداد. فی الواقع نیز اکسپرسیون احساس فلاهرتی درمورد مردمی که از ایشان فیلم تهیه میکرد، دارای یک لطف شاعرانه بود - بدیهی است که‌ما وقتی کلمه «شعر» را بکار میبریم و آنرا بخدمت مقصودی غیر خود میگماریم، در حقیقت اصطلاحی را از ادبیات بقرض گرفته ایم. منظورما ازشعر سینما، تجربه‌ایست که از عالیترین و ظریفترین شکل فیلمسازی بدست میآید، و اگر شاعران درعالیترین حد تدوین کلام، منظومه لغوی میسازند، فیلمسازان ظریف کارو پراحساس، منظومه تصویری بوجودمیآورند. در اینمورد تفاوت تنها در وسیله نهفته است، و در هدف اختلافی موجود نیست.

تسلسل تصاویر، حرکت‌وریتم خاص خودرا مالک‌است که ایجاد آتمسفر و حالت میکند، و این کاملاقابل مقایسه باتسلسل ریتم‌ها و تنظیمات لغوی است که در یک شعر مشهود است. کلمات البته از تصاویر فتوگرافیک در «ابهام معانی» غنی‌تر هستند. برای اینکه لغات درحدخود سمبولهائی بشمار میآیند در حالیکه تصاویر، عمل مشاهده و اوبزرواسیون‌مستقیم‌را به‌تماشاگر عرضه میکنند، باوجود این، دنیای فیلم صامت دنیای پر ابهامی بودکه میخواست جهان حقایق‌را برخ بیننده بکشد، بدون آنکه خود مستقیما بدان متعلق باشد - در «کلیات‌سینمای صامت» گفتیم که تصور ازفقدان صدا بود

دراین‌میان باز فلاهرتی بود که سیستم کلاژ، در آن‌حال که تون‌های گرم وزیبای‌عکاسی سیاه وسفید، مضامین بی‌ارزش وتیره ومظلم‌و ملو دراماتیک، آنرا بشدت از حقیقت، حتی دورتر ساخته بودند، باعث ایجاد یک فرم جدید بیان دراماتیک شد که درعین وابستگی صرف بحقایق عینی، بعنوان یک‌هنر غنی شاعرانه، آینده درخشانی یافت.

اولین اثر فلاهرتی «نانوک شمال» نام داشت که در هفته قبل توضیحاتی درباره آن‌دادیم - این فیلم‌را برخی به «یک شاهکار و یک‌سهم اعظم آمریکا در هنرهای امروزی» تعبیر کردند. فیلم دوم فلاهرتی، یعنی «موآنا» راکه‌در آن زندگی‌مردم بومی‌هاوائی نشان داده میشد یک‌منتقد مشهور موسوم به «لاورنس اشتلینگس» چنین تحسین کرد: «تصور نمیکنم هیچ فیلمی بتواند عظیم تر از این حماسه ساموائی (۱) باشد که‌اجزاء آن باچنین ظرافت جاودانی بیکدیگر پیوند شده‌است.»

فلاهرتی اثر بعدی خودیعنی «تابو» راکه بازدرباره‌زندگی جزیره نشینان دریاهای جنوب بحث میکرد بامساعدت هنرمند بزرک‌وپرارزش سینمای آلمان: فردریک ویلهلم مورنا، که پس از کار در زیر سقف استودیو ها مایـل بـهمکاری با دکومانترسازهای هوای‌آزاد بود، تهیه نمود. این‌فیلم در زمان تهیه (۱۹۲۸ - ۲۹) بعنوان یک اثر صامت ساخته‌شد، اما بعداً بآن‌صدا اضافه کردندودرسال ۱۹۳۱ بعنوان یک‌فیلم ناطق بدنیا عرضه گردید. یکی ازجالبترین نظریات‌را درباره این‌فیلم، یک‌منتقداروپائی ابراز داشته که‌متاسفانه نام اورافراموش کرده ام: «نتیجه کار مشترک دو هنرمنداین‌شده که‌زیبائیهای‌تاهیتی، آنچنانکه واقعا هست، در فیلم منعکس‌شود - امابایدگفت که بهر-حال، این زیبائیها، که درسراسر تابو درخشان‌است، درمیان‌تخیلات یک‌اروپائی‌قرن بیستم تجزیه شده است.» درباره «تابو» همچنین گفته‌شدکه: «یکی از بزرگترین گنجینه‌های‌هنری‌عالم‌است.»

اگرچه فیلمهای‌دیگر فلاهرتی دردوره ناطق ساخته شدند، معهذا ازآنجاکه مادرفصل‌سوم‌این‌مقالات احتمالا باورجوع نخواهیم کرد، درباره آثارمزبور نیزدراینجاصحبت می کنیم.

فیلم بعدی فلاهرتی «بریتانیای صنعتی» بودکه دراوج نهضت فیلم مستندانگلستان، آنرابکمک‌آقای

۱- ساموا، نام قبیله‌ایست که زندگی‌مردم‌آن درفیلم نمایش‌داده میشود.

دکومانتردرجهنم حاره

بومی قبیله ساموا در «موآنا»

... مرد اول این
... چون موجود و مرد ...
فیلمان گریرسون تهیه کرده و ... [illegible]
نهضت و مکتب ... بود باید
در باره نهضت اشاره‌ای خواهیم نمود (۱)
در ۱۹۳۳ فلاهرتی فیلمی بنام «مرد اهل آران» بوجود آورد که [illegible] نه تنها شاهکار او [illegible] یکی از پر ارزش‌ترین [illegible] است. در این فیلم فلاهرتی [illegible] تلاشهای چند ماهیگیر ایرلندی را [illegible] دریا نشان میداد که [illegible] مبارزه عمومی نوع آدم با عوامل نامساعد طبیعی بود – صحنه‌های طولانی [illegible] دریا، در این فیلم، امروزه تبدیل به یک قطعه کلاسیک در تکنیک سینما شده است.

در فیلم «فیلبان» محصول ۱۹۳۷ فلاهرتی با استفاده از یکی از آثار رودیارد کیپلینگ، شاعر و نویسنده امپریالیست، اثر جالبی بوجود آورد که در عین رئالیست بودن، مایه‌های فانتاستیک و تخیلی نیز در برداشت. عجب آنکه نسخه‌ای از این فیلم در لندن برداشته شد. گفتنی است که ارزش این اثر را از سایر کارهای فلاهرتی، کمتر دانسته‌اند.

جیمز شلی هامیلتون در باره این فیلم چنین اظهار عقیده کرده است: «برای اولین بار رابرت فلاهرتی خود را [به] یک طرح داستانی محدود کرده، لیکن مانند همیشه به خود زندگی توجه داشته و بستگی های میان انسان و طبیعت را مبنا قرار داده است. نتیجه حاصله آنکه فیلبان یک تاریخچه زندگی فامیلی بدوی در برابر منتهای زمین، در باو عناصر، محسوب می گردد و از درامهای معمولی بسیار بدور است.»

در ۱۹۳۹ فلاهرتی بدعوت دولت آمریکا فیلم «سرزمین» را ساخت. اما پس از اتمام آن، به مقتضیات سیاسی و جنگی، آن دولت نمایش عمومی فیلم را قدغن کرد. فلاهرتی که این فیلم را بزرگترین اثر خود می‌دانست، همواره آرزوی

درام رئالیست در دوران صامت

زاسو پیتس در «حرص»
اثر اریک فون اشتروهایم

نمایش آنرا داشت [illegible] در [illegible] بیهوده بنمایش در آمده است.

[illegible] که بخاطر کتاب پر ارزشش موسوم به «از کالیگاری تا هیتلر» شهرت دارد، در باره این فیلم چنین نظر داده است: «این اثر بهر حال دارای نکات ضعفی هست، از جمله طرح آن فاقد وضوح و صراحت بوده و نتوانسته مسائلی را که مورد بحث قرار میدهد کاملا بپروراند. گویا فلاهرتی مدت زیادی برای تهیه این فیلم صرف وقت کرده. بعقیده من، این خود بهترین توضیح و توجیه برای درک [illegible] های متروک و ناپیوستگی [illegible] مختلف فیلم است. اما همه این نواقص نیز نمی تواند [illegible] نکات درخشان [illegible]

[illegible] شرافت عمیق و زیبائی چشم اندازهائی [illegible] – در واقع تمام جنبه‌های [illegible] سمبولیک شایسته‌ای پادور گردیده است.

معمولا فلاهرتی آدم ساده‌ایست و بجهت همین سادگی شخصی، تنها آنچه را که حقیقتا حس میکند میگوید و از بدیه آوردن استنتاجات معمولا اجتناب می‌ورزد. اگر او همواره در طرح فضا یا بادراک نهائی نمیرسد، در عوض، با غریزه‌ای لغزش ناپذیر که راه حلهای بعدی را به خطر نمی‌اندازد به پیش می‌رود. گفتنی است که ندای او در سراسر فیلم بگوش می‌رسد. این ندا که بنحو موثری بر ظرفیت فیلم تکیه دارد، وی قادر بمجاب ساختن احترامات عمومی هست

در این فیلمها [illegible] امان است، چنین آثاری [illegible] و [illegible] گذشته [illegible] زندگی [illegible] سرانجام [illegible] تکراری [illegible] می‌گردد و هر قطعه [illegible] است.»

آخرین فیلمی که فلاهرتی ساخت، یکسال قبل از مرگش در ۱۹۴۸، بنام «داستان لوئیزیانا» بروی پرده آمد که جریان استخراج نفت را از اعماق بیان می‌کرد و یک ماجرای دیگر نیز، چاشنی آن بود. [illegible]

«این اثر از نقطه نظر ساختمانی تا حدی سست بوده و یک پیوستگی ساده بین اپیزودهای مختلف است. معهذا قدرت آنرا باید در خلق اتمسفر مکان و مردم جستجو کرد. فکر میکنم از این نظر، فیلم کاملا توفیق یافته است، بخصوص که فوتوگرافی عالی، مونتاژ عالی و موزیک عالی نیز بآن کمک کرده‌اند. داستان لوئیزیانا مطالعه‌ای درست فلاهرتی است، سنتی که در یک زمان نزدیک بسی سال هرگز در کار فیلم‌سازی اینمرد ترک نشده است.»

• • •

صرفنظر از آثار فلاهرتی، فیلم های دیگر دوران صامت را – بجز یکی دو استثناء – بسختی می توان مستند دانست – با اینحال برخی از این فیلمها کمابیش خود را به حقیقت و آکتوالیته نزدیک کرده بودند و از آن قبیل است «هیچ چیز مگر زمان» اثر آلبرتو کاوالکانتی – وسترن‌های مبتنی از قبیل «واگون سرپوشیده» اثر جیمز کروز، فیلم های طبیعی و بیولوژیک پرسی اسمیث در انگلستان که من در شماره ۸۳ «امید ایران» در باره شان توضیحاتی داده‌ام – برخی فیلم‌های سفری از قبیل آثار Poirier – دو سه فیلم دکومانتر از قبیل «تورکسیب» و «Drifters» – برخی از فیلمهای تبلیغاتی شوروی ها مثل «کشتی پوتمکین» و «مادر» و «صف عمومی» – فیلمهای دراماتیک مرحوم اریک فون اشتروهیم، مخصوصا اثر مشهورش بنام «حرص» – و بالاخره فیلم «مصائب ژاندارک» اثر کارل درایر.

در واقع هیچیک از این فیلمها، بمفهوم امروزی، نئورئالیستی بودند

بقیه در صفحه ۲۴

کاراکتر در دامان محیط
زن اسکیمو در «نانوک شمال»

۱- برای کسب اطلاعاتی در خصوص نهضت فیلم دکومانتر انگلستان، بمقاله «فیلم مستند» نوشته آقای فرخ غفاری در شماره اول مجله «نمایش»، و نیز بمقاله «نهضت فیلم دکومانتر انگلستان و تئوریهای سران آن» نوشته نگارنده در شماره ۱۱ ستاره سینما مراجعه شود.

دیدار هفته..

خسرو پرویزی

این هفته (دیدارچی) در بارگاه استودیو ساترال بار یافت و سا تشریفات خاص سلطنتی در حالیکه غلامان ویژه و نیزه بدست دوشادوشش حرکت میکردند ، بحضور شاه محتشم و همسر عالیقدرشان ملکه ژاله شرفیاب شد!

محتشم وقتی از اتاق دوبلاژ استودیو ساترال خارج شد و سالن عمومی آمد ، در حالیکه با دستمال عرقش راخشك میکرد با او روبرو شدم . گرچه درهمان وهله منظورم را فهمید معهذا علت شرفیابی را خدمتشان عرض کردم و ضمنا سراغ ژاله را گرفتم با توضیحاتی که محتشم داد معلوم شد ژاله اصولا بعد از همسرش بیارگاه تشریف فرما میشوند و روی این اصل دیدارچی مجبور بود مدتی در انتظار بماند . چنانکه بعد در حدود ساعت ۸ بعدازظهر ژاله با وقار ومتانت خاصی وارد شد و دیدارچی در مقابل ایشان برخاست و بدینوسیله مراسم احترام بجای آمد . از توضیح حواشی ومقدمه آشنائی ومعرفی که بگذریم لحظه ای بعد در کنار این زن و شوهر هنرمند قرار گرفتم البته میدانید که نخست سر صحبت را با کدام یك باز کردم ؛ بله از ژاله پرسیدم در حال حاضر بچه کارهائی اشتغال دارید

ـ همانطوریکه اطلاع دارید! اینك در استودیو پارس فیلم مشغول اتمام فیلم های « یعقوب لث » و «بیژن ومنیژه» هستم و درضمن در این استودیو (ساترال) دوبله فیلم رنگی وسینما سکوپ (فاتح) را باتفاق محتشم انجام میدهیم محتشم حرفش را تصدیق کرد وادامه داد که این فیلم باشتراك جان وین وسوزان هیوارد ومحصول کمپانی آر ـ ك ـ او رادیو میباشد .

ژاله گفت بگذارید کمی درباره خودشما روزنامه نویس ها صحبت کنم گفتم خانم بفرمائید کیست که نمی گذارد! بعد با همان چشمان گیرا و قیافه آرتیستیکش اینطور گفت :

ـ امان ازدست شما وقتی بخواهید یك نفر را بالا ببرید آنقدر عکسش را پشت جلد ، توی جلد چاپ می کنید ومطالب تحسین آمیز درباره او می نویسید که خدامیداند اما وای بحال آنکسی که مورد غضبتان واقع شود چنان اصلا او را فراموش میکنید که گوئی اصلا چنین هنرپیشه ای را نداریم.

چندی پیش بایکی از این نویسنده ها که گاهی هم فیلم تهیه می کند برسر موضوع وضع بی هنری وشرکت یك مشت هنرپیشه های ناشناس که عموماً اصول هنرپیشگی را نمی دانند صحبت شد واو ازاین موضوع گله داشت . در جواب او گفتم : آقا تقصیر خود شماهاست وقتی یك زن در فیلم خودتان شرکت میدهید آنقدر پیرامون او تفسیر می نویسید واسم هائی برایش انتخاب میکنید که حتی خودش هم تصور می کند شاید چیزی باشد! مثلا بی جهت درباره یکی از اکتریسهای درجه ۳ غوغائی براه انداختند ولقب جینالولو بریجیدای ایران را باو دادند من نمی دانم بچه نسبتی این لقب باین خانم عطا شد اززیبائی ؟ یا ازهنر؟ متاسفانه این خانم جینا ـ لولوبریجیدای ایران ازهر دوی آنها فاقد است!

معلوم بود ژاله دل پری ازروز ـ نامه ها ومجلات داشت و تامیتوانست باصطلاح خودش ناروائیهای موجود را بیان می کرد و بروی یك یك آنها انگشت میگذاشت .

بعد ژاله ادامه داد که ما هنر ـ پیشه ها تنها نشریه مدافع خودمان را مجله ستاره سینما میدانیم وجا دارد مجله ستاره سینما همیشه در اینمورد دقت نماید وپشتیبانی از طبقه مارا فراموش ننماید .

دراینوقت محتشم را مخاطب قراردادم و پرسیدم : شنیده ایم که شما قصد دارید تآتر جدیدی تاسیس نمائید ممکن است پیرامون آن توضیحاتی بدهید .

محتشم پس از اینکه لیوان پپسی کولا را تا آخر سر کشید چنین آغاز سخن کرد : مدتی است که بجهت افتتاح یك تآتر نوبنیاد اقدام میکنم وخوشبختانه اخیرا تا حدودی موفقیت حاصل نموده ام . این تآتر که تحت عنوان (آکادمی تآتر) نامگذاری گردیده درطبقه تحتانی سینمای (رویال) واقع درخیابان شاهرضا میباشد .

ـ خوب انشاءالله : این تآتر چه موقعی شروع بکار خواهد کرد وبرنامه افتتاحیه آن چیست وهنر ـ پیشگان آن چه اشخاصی هستند؟

ـ تآترما (آکادمی تآتر) از سزون تآتر یعنی پانزدهم مهر با پیس «اتللو» تراژدی معروف شکسپیر افتتاح خواهد شد وهنر ـ پیشگانی که برای کادر ثابت این تآتر درنظر گرفته شده اند عبارتند از: ژاله ، رخشانی ، خسروانه ، جعفری ایرن زازیانس ، رسولزاده ، مهرزاد متین ، ضیاءابصاری ، دوستدار .

البته همانطوریکه گفتم این افراد احتمال دارد در کادر ثابت باشند وعده دیگری نیز تشکیل کادر غیرثابت وروزمزد خواهند داد . ضمناً دراین تآتر کلاس مدرنی جهت آموزش فن دراماتیك واصول بالماسکه و بیان وغیره گشایش خواهد یافت تا ازاین راه هنرپیشگان جوان وجدیدی پرورش یابند .

گفتم : خوب شما که میخواهید تآتر را بایك برنامه سنگین وعمیق

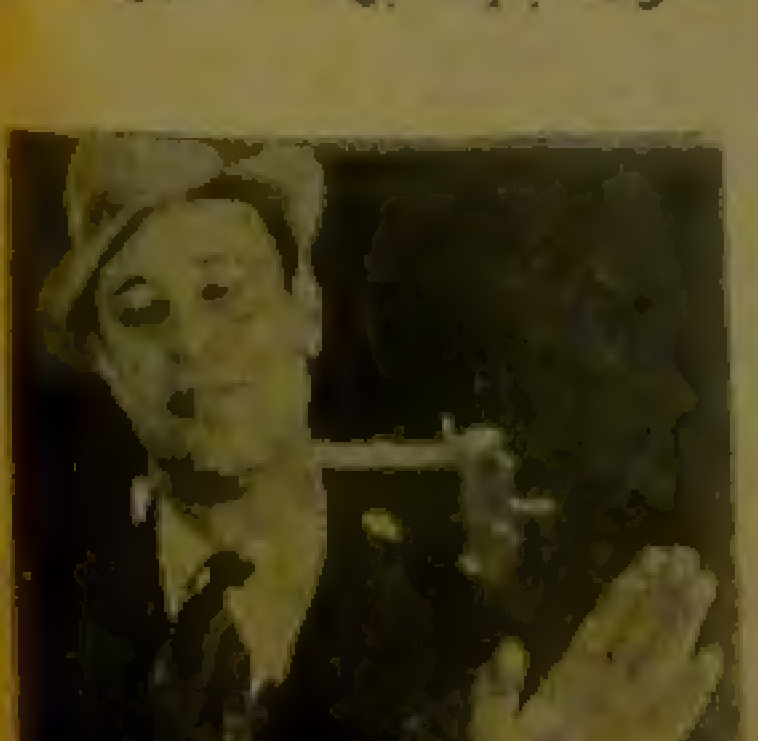

ازموفقیت تاسیس تآتر واجرای نمایش «اتللو» خاطرجمع هستند

در مقابل نارسائی‌ها و طول دوران حمل کارهای گردانندگان فیلمهای فارسی چه خواهید کرد؟ آقا! کیه لازم است برای آن پیسهای معروف و معتبری انتخاب نمائید، در اینصورت برای برنامه آینده تا بحال چه پیسی در نظر گرفته‌اید؟

محتشم گفت: باید بگویم که این تآتر را مطابق مدرن‌ترین تآترهای دنیا افتتاح خواهیم نمود و بهمین علت مجبوریم برنامه سنگین با ارزشی در آن بنمایش بگذاریم و پیس آنهم «توپاز» نام دارد. ضمنا ناگفته نماند تآتر مذکور از نظر نور و دکور مطابق آخرین اسلوب تئاترهای دنیا و بسبک مدرن ساخته خواهد شد. گفتم امیدوارم که اینطور باشد و در این کار توفیق حاصل کنید. و اما خانم ژاله شما ضمناً در این تآتر نقش های مهمی را بعهده خواهید داشت اینطور نیست. ژاله که هیچوقت منتظر چنین سئوالی نبود اظهار داشت خیر، فکر نمی کنم اینطور باشد زیرا شخصاً ادعائی ندارم و در تئاتری که محتشم بنا کرده است فقط بایفای نقش‌هائی میپردازم که بتیپ من بیاید.

حرفش را قطع کردم و گفتم: پس در اینصورت شما در پیس «اتللو» نقش دزدمونا را بعهده نخواهید گرفت. ژاله پاسخ داد که تصور نمی کنم چنین نقش مهمی لایق من باشد از آن گذشته دزدمونا نقشی نیست که با تیپ من جور در بیاید و نیز کسان دیگری هستند که استحقاق ایفای این رل را داشته باشند.

بعد موضوع صحبت را تغییر دادم و سئوالاتی درباره فیلم های اخیرش یعقوب لیث و بیژن و منیژه بهمین مضمون از وی نمودم: شما فکر می کنید فیلمهای بیژن و منیژه و یعقوب لیث برایتان موفقیت تازه‌ای کسب کند و آیا بهمین منظور در آنها شرکت کرده‌اید؟

— خیر، من اینطور فکر نمیکنم. زیرا فیلم (امیر ارسلان) عده‌ای را باین اشتباه انداخت و آنها تصور می کنند که فیلمهای مشابه آن نیز بهمان ترتیب فروش قابل ملاحظه‌ای خواهند کرد. گرچه اگر در تهیه اینگونه فیلمها «سی» بکار رود و روی اصول صحیح فیلمبرداری شود امکان دارد که فیلمهای مذکور جالب از آب در آیند ولی متاسفانه باید بگویم که دقت کافی در ساختن آنها نمیشود و بهمین علت احتمال موفقیت چنین فیلمهائی کمتر می باشد.

مثلا از سبیل کاریهائیکه در فیلم «یعقوب لیث» بکار رفته موضوع لباس من است. من که باصطلاح در فیلم نامبرده معشوقه یعقوب هستم از اول الی آخر فیلم فقط با یک لباس کولی ظاهر میشوم؛ آنوقت تماشاچی مشاهده می کند، یعقوب از زمانی که در دزاغه‌های سیستان بچپاول دزدی مشغول است تا آنجائی که به حکومت می‌رسد، معشوقش فقط یک دست لباس بتن دارد؛ راستی آیا این مسخره نیست؟ این سبیل کاریها گذشته از اینکه برای موقعیت فیلم مناسب نیست بکار ما نیز لطمه وارد میسازد. چه باید کرد؟ هرچه گفتم یک دست لباس دیگر تهیه کنند کسی بحرفم گوش نداد.

تصمیم گرفته‌ام از این بعد نقش‌هائی که بمن پیشنهاد میشود مورد مطالعه قرار دهم و در صورتی که با تیپ من موافق باشند ایفای آنرا تقبل نمایم.

پرسیدم: تیپ شما کدام است اگر امکان دارد آنرا توجیه فرمائید.

ژاله گفت: اگر فیلم «افسونگر» را مشاهده کرده باشید تیپ مرا دیده‌اید و احتمال دارد در آینده نزدیکی در فیلمی نظیر «افسونگر» شرکت نمایم. این فیلم در پارس فیلم تهیه خواهد شد و گویا اسم آن «هوس باز» باشد. من سعی دارم در اینجا که یک بار دیگر نقش دلخواه خود را یافته‌ام با دقتی خاص آنرا انجام دهم و وقتی حرفهای ژاله تمام شد دیدم که محتشم خود را برای آخرین پرسش من حاضر کرده‌است؛ هرچه فکر کردم که چه سئوالی مطرح کنم چیزی بخاطرم نرسید تا اینکه مجبور شدم عقیده او را درباره تئاتر کنونی ایران بپرسم و او هم چنین گفت:

— عقیده من درباره تئاتر کنونی ایران این است که در حال حاضر تئاتر بمعنای واقعی وجود ندارد و آنچه ما بنام تئاتر می بینیم جز عملیات مبتذلی که اصولا در کاباره دانسینگها نمایش داده‌میشود چیز دیگری نیست. در واقع از ما بیکه نوشین از تئاتر ایران دور شد و عملیات بدست عده‌ای دیگر افتاد تا بامروز هنر تئاتر ما مرده است.

گرچه بعضی ها ادعا میکنند که ابتذال هنر تآتر ما بخاطر این است که مردم سواد تآتری ندارند، اما من با این فکر مخالفم یادم نمیرود روزی که نوشین و مرحوم احمد دهقان بر سر این موضوع صحبت میکردند.

دهقان به نوشین گفت که: مردم تآتر را میخواهند که بخندند و لذت ببرند. کمدی‌های پوف و ساده مطابق ذوق و خواست مردم ماست.

نوشین که برآشفته بود در جواب او اظهار داشت. شما اشتباه میکنید، شمائید که میخواهید مردم را باین گونه پیس‌ها عادت دهید در حالیکه مردم خوب تشخیص میدهند و پیس‌های هنری را بهتر می پسندند. مرحوم دهقان در آن وقت بفکر نوشین خندید اما نوشین ادامه داد:

— هر وقت توانستم تآتری تاسیس نمایم آنگاه بافرادی نظیر شما ثابت خواهم کرد.

تا اینکه چندی از این موضوع نگذشت و نوشین تآتر فرهنگ را افتتاح نمود و پیس هنری و معروف «ولپن» را در آن بنمایش گذارد این برنامه آنچنان مورد استقبال قرار گرفت که بلیط های ۳ شب متوالی آن بفروش میرسید. در آن وقت نوشین بدهقان چنین پیغام فرستاد «آیا ثابت کردم که مردم خوب میفهمند؟».

بهر حال مقصودم از بیان این مطلب این است که مردم بهتر از آنچه عده‌ای فکر میکنند حس تشخیص دارند و در نتیجه لازم است یک تحولی در هنر تآتر مملکت ما صورت گیرد تا باین همه ابتذال خاتمه داده‌شود ضمنا باطلاعتان برسانم که آقای استپانیان و آقای گرمسیری (با ایشان در حال مذاکره هستیم) سمت مشاورت فنی این تئاتر را بعهده خواهند داشت و با کمک این دوستان هنرمند فکر نمی کنم که موفق نگردیم من گفتم برمنکرش لعنت؛ شما هم بگوئید آمین یارب العالمین! ... در این هنگام چون ساعت دو بعدازظهر بود به دیدار این زن و شوهر هنرپیشه خاتمه دادم و از اینکه حقیر را با مشروب سالم و گوارای پپسی کولا شرمنده ساخته بودند تشکر کرده و در حالیکه دست ملکه ژاله و شاه محتشم را صمیمانه فشردم از حضورشان مرخص گردیدم.

بررسی فیلمهای هفته

«خون و شن»

تهیه کننده : داریل.اف . زانوک
کارگردان : روبن ماموليان
هنرپیشگان :
تایرون‌پاور ..... ژوآن
لیندادارنل ..... کارمن
ریتاهیورت ..... دونا
آنتونی کوئین ..... مانولا

باتوجه باین سرعت عجیب پیشرفت صنعت‌سینما ، برای‌تجدید نمایش آثاری که باتکنیك چندین سال‌قبل وبسلیقه جامعهٔ آن زمان تهیه‌شده‌اند لازم‌است در انتخاب آنها توجه ودقت فراوانی بکاررود.

مابا خاطره‌ای که ازسالها قبل داریم بانتظار دیدن‌فیلم جالب و برجسته‌ای بمشاهده «خون وشن» میشتابیم، درحالیکه ازاین نکته‌غافل هستیم که‌این فیلم‌دیگر امکان ندارد آن‌فیلم سابق باشد. زمان بوسایل مختلفی سلیقه‌مارا تغییرداده‌است.

پسر کوچکی که مادر فقیرو زحمت کش خودرا بآینده امیدوار میسازد و باوقول میدهد که باکارو کوشش بهترین زندگی را برایش فراهم خواهدکرد وباقول و قرار او بایك دختربچه ملیح وزیبا که‌در آینده هنگامیکه بزرگ شدند با یکدیگر ازدواج خواهندکرد، بی - وفائی مرد بادیدن‌یك زن‌لوند و فداکاری واز خود گذشتگی زن در سخت‌ترین شرایط ، بخشیدن گناه - کارقبل ازآنکه بدرود حیات گوید وباخیلی ازصحنه‌های دیگر که‌دارای جنبه رمانتیك‌خالص‌میباشندوزمانی باسلیقه اکثریت‌مردم وفق‌میدادند، امروزه باافکار رئالیستی که درفرد فرد مردم بوجود آمده بعید بنظر میرسد که خریداری پیدانماید.

باوجوداین‌جنبه انتقادی‌سناریو فیلم‌را ازابتذال‌مطلق‌نجات‌میدهد.

سازندگان این‌فیلم‌همراه‌بایك اثرعشقی ورمانتیك سعی نموده‌اند مانند گوشه‌های زنده‌یك‌اجتماع خصوصی را که حوادث‌فیلم درآن اتفاق میافتند نشان دهند.

این اجتماع اسپانیا و محیط گاوبازی آن‌میباشد ومعایب آنهم دریك‌جمله خلاصه میشود: برای‌یك گاوباز تماشاچیان ازگاوخطرناکترند.

ولی عیب کار دراینجااست که کارگردان فیلم «روبن‌ماموليان» قادرنبوده که این دوجنبه متضادرا بایکدیگروفق دهد .

آخرین صحنه‌فیلم که‌پیروزی قهرمان جدیدی را درمیدان نشان میدهدودرپی آن‌تمام‌اورا که‌توسط تماشاچیان‌گل باران میگردد از سرتاپا پیموده وبعد ازنشان دادن دسته‌های گلی بروی خون قهرمان سابق‌میدان که چندی‌قبل‌در نمازخانه جان سپرده متوقف میشود وبدینوسیله سرنوشت آینده گاوبازجدید را آشکارمیکند بهترین‌صحنه فیلم بشمارمیرود . ولی یکچنین‌صحنه‌هائی درطول‌فیلم‌بندرت دیده‌میشوند وبخوبی هویداست‌که همان جنبه عشقی داستان مورد نظر سازندگان بوده‌است.

«ماموليان» شایدموفق‌میشود باعدب‌مجسمه حضرت‌مسیح‌در بالای سرشخص محتضر احساسات عده‌ای ازتماشاچیان‌رامتقلب نموده‌وصحنه رامؤثرتر جلوه دهد و بازبکاربردن‌وسایل ساده وعادی‌یعنی نغمه‌های گیتارو رقصها و آوازهای اکزوتیك نشان دادن زنان سمره باسینه‌های نیمه عریان در حالیکه گل سفیدی بموهای خود زده‌اند ، شراب‌خوردن‌مردان واصولا خود گاوبازی محیط یکی ازشهرهای اسپانیارا مجسم‌نموده‌ولی یکچنین موفقیتهائی قادرنیستند برای کارارزش هنری کسب نمایند.

ولی باهمهٔ این‌حرفهاهمانطوری که‌گفته شد هرگاه زمان تهیه فیلم درنظرگرفته شود بایداعتراف کرد که «خون‌وشن» درصحنه‌خود دارای امتیازات فراوانی میباشد.

نکات ضعفی که دراین فیلم بچشم میخورد ، شکی نیست بعلت گذشتن سالهاودیدن آثاری است که درشرایط جدید ودریك مرحله کاملتری ساخته شده‌اند.

امروز بعدازگذشتن سالها هنوز ازنقطه نظر تکنیك سینما ضعفی در این فیلم محسوس نمیشود. رنگ آمیزی فیلم واقعا جالب واز نور برای تجسم روحیه هنرپیشگان و تقویت صحنه‌های دراماتیك‌استفاده هنرمندانه‌ای بعمل آمده است .

صحنه وداع تایرون‌پاور با لیندا دارنل (پیش از آنکه برای آخرین بار بمیدان‌قدم گذارد) که زمینه تاریك آن ازسرانجام شوم سخن میگوید ، از نقطه نظر فن عکاسی یك صحنه جالب وتماشائی بشمارمیرود .

موزیك متن هم که‌از ساخته‌ های آلفرد نیومن معروف است دارای ارزش‌فراوانی میباشد . در اینجا «نیومن» ازترانه‌های محلی اسپانیا استفاده‌نموده و بدینوسیله باموزیك خود کارگردان فیلم را در پروراندن « محیط » کمك شایانی نموده است

آهنك «ورده‌لونا» که تا مدتها خود خواستاران بیشماری داشت هنوز طراوت وتازگی خود را از دست نداده و بعد ازآنکه توسط ریتاهیورث خوانده‌میشوددرصحنه‌ های بعدی پیوسته آهنك آن بگوش میرسد .

«خون وشن» با امتیازاتی که داراست انتظارمیرود باموفقیت تجارتی مواجه شود .

م - الخاص

اخبار سینمائی

اخبارسینمائی باآنکه البته در نظرسینما روهای قدیمی ما با علامت پاته ژورنال مقارن است چون اولین اخبارسینمائی راکه در تهران نشان دادند محصول کارخانهٔ پاتهٔ فرانسه بود که با نشاندادن علامت مشخصه کارخانه که عکس خروس است شروع میشد

پس ازآن اخبارسینمائی دیگری درایران نشان دادند وحتی مدتی درخیابان لاله‌زار سینمای اخبارتاسیس شد و منحصراً فیلم‌های خبری را بمعرض تماشای علاقمندان میگذارد

اکنون نیز باوجود کثرت جرائد ومجلات کثیرالانتشارداخلی و خارجی وهمچنین اخباررادیوئی ایستگاههای متعدد کشورو جهان بازهم اخبارسینمائی مقام خودرا بین مردم حفظ کرده واین ضرب‌المثل‌معروف فارسی را که میگوید شنیدن کی بود مانند دیدن بار دیگر تأیید وتثبیت می نماید .

ازاخبارسینمائی مهمی که امروزه درمعرض تماشای مردم قرار میگیرد یکی اخبار مووبتن است که جنبهٔ بین المللی دارد و دیگری اخبارایران است که خوشبختانه علاوه برنشاندادن آخرین اخبارجهان پیشرفت‌های اخیرایران را نیز در شئون مختلفهٔ کشور برای مردم نمایش داده‌آنهارا درجریان وقایع مهم کشوروجهان میگذارد .

یکی ازخدمات بزرك اخبارایران بالابردن سطح فرهنك و معلومات عمومی افراد کشور است که بانشاندادن ترقیات فرهنگی - کشاورزی - بهداشت وارتش شوروعلاقه مردم را نسبت به عمران و آبادی کشور تشدید کرده حس اتحادومیهن پرستی وشاه دوستی آنهارا بیش ازپیش بیدار وتقویت می نماید . ما امیدواریم متولین و تهیه کنندگان « اخبارایران» درکارخود موفق باشند

مارك رابسون

MARK ROBSON

کارگردان فیلم «ارزش طلا»

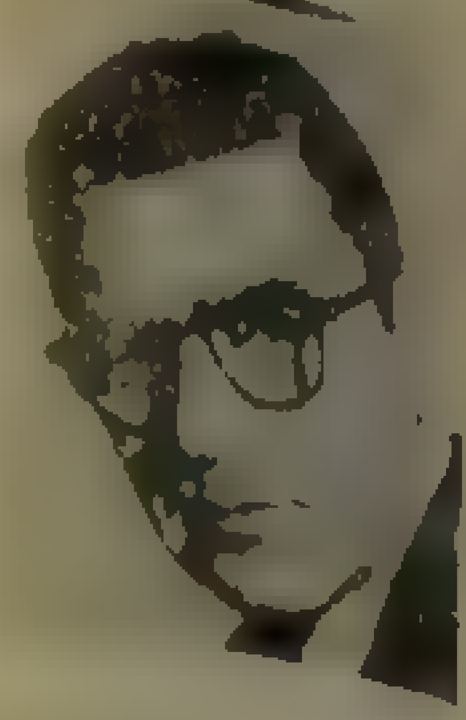

کلیه منقدین در این باره متفق‌القولند که استانلی کرامر شهرت خود را درسال ۱۹۴۹ برای دو فیلم قهرمان و خانه شجاعان بدست آورد کرامر درهردواین فیلمها از همکاری مارك رابسون برخوردار بوده و شخص اخیرهم باهمین دو فیلم بود که خود را بعنوان یك کارگردان زبده ومبتکر بجهانیان شناساند. ما فیلم خانه شجاعان را که در آن اختلاف نژادی و روابط بین سفیدپوستان باسیاهان در آمریکا مطرح شده‌است ندیده‌ایم ولذا نمی‌توانیم درباره آن نظری بدهیم ولی ازآنچه که منقدین خارجی درباره این فیلم ابراز داشته‌اند کم‌وبیش اطلاعاتی دردست‌است و همین اطلاعات موجب میشوند که ما این فیلم را بعنوان یك اثر برجسته و جالب سینمائی محسوب نموده و بی‌صبرانه در انتظار دیدن آن بسر بریم. امافیلم «قهرمان» راچندسال پیش مشاهده نمودیم.

این فیلم هر چند که همان تم رابطه «جسم‌وروح» اثر رابرت راسن (۱۹۴۷) را تکرار کرد باز درحد خود دارای ارزش هنری فراوانی بود. مارك رابسون در این فیلم خود رایك کارگردان رئالیست و درضمن منقد نشانداد. درصحنه‌های مسابقات بکس «رابسون» بوسیله نشان دادن چهره تماشاچیان ولذتی که ازدیدن رنج‌وعذاب یك انسان درآنها بوجود می‌آمدحس انزجار خود را از این عمل وحشیانه که به عنوان عده‌ای تاجر وپولپرست از آن سوءاستفاده کرده واین استفاده آنها بقیمت جان‌وخون یکعده جوان بیگناه تمام میشودنشان‌میداد

صحنه ابتدائی فیلم «قهرمان» که قهرمان از رینگ بوکس بالارفته وناگهان خاطرات گذشته را بیاد می‌آورد وبا هیکامیکه همین قهرمان ازآخرین پیروزی خود بشعف درآمده واز فرط شادی سکته نموده و دارفانی را وداع میگوید همهٔ این صحنه‌های بینظیر که از قدرت وهنر کارگردان فیلم حکایت می‌کردند باعث شدند که محافل و مجامع هنری فیلم «قهرمان» را بعنوان یك اثر برجسته تشخیص‌داده وتهیه کننده‌و کارگردان آن افتخاری عظیم کسب نمایند.

درسال ۱۹۵۱ «پیروزی درخشان» یك پیروزی دیگر در حیات هنری «رابسون» بود.

سربازی که در جنك قدرت بینائی خود را ازدست‌داده‌بشهر و نزد خانواده‌خود برمیگردد

این مرد ازترحم اطرافیان زجر میکشدو از طرف دیگر حس میکند که نامزدترو تمندش مایل نیست شوهر نابینائی داشته باشدتمام‌اینها ضربات‌شدیدی‌هستند که‌روح‌وجسم این جوان را خورد میکنندو حس تنفر تماشاچی رانسبت بجنك برمی انگیزند.دریایان‌فیلم‌رابسون‌برای آنکه روح امید و مبارزه را در قربانیان‌جنك که تعدادآنهابرملیونها بالغ است ازبین‌نبرد بوسیله‌دختر حساسی که عشق پاك خودرا نثار این جوان مینماید پایان خوشی بوجود آورده بود.

در سال ۱۹۵۳ «رابسون» «بازگشت ببهشت» را تقدیم نمود در این‌فیلم هرچند ازسبك وروش مخصوص رابسون در مضمون فیلم خبری نبود اما یك تماشاچی دقیق در همان نخستین وحله‌درك‌میکرد که فرم فیلم بکارگردان دیگری بجز رابسون نمی‌تواند تعلق داشته باشد.مردیکه از گذشته او کسی اطلاعی ندارد بجزیره‌دورافتاده‌ای قدم‌میگذارد. روحیه این مرد و افکارش اورا مردی‌مرموزوعجیب جلوه میدهند.

این‌مردیك‌انسان آزادی است که حتی قیودو قوانین اجتماعی برای او بمنزله یك زندان تاریك بشمارمیروند.

یك دختر بومی بعشق او گرفتار میشود ولی هنگامی که در میابد که این دختر ازاوحامله‌شده برای آنکه این امر بآزادی او لطمه وارد نسازد ازاین‌جزیره‌می گریزد

سالها بعدگذار این مرد‌بازباین جزیره‌میافتد. زمان تغییرات بیشماری بر زندگی اهالی وارد ساخته همسر او بدرود حیات‌گفته و دخترش اکنون برای‌خودش زن زیبائی شده‌است.

علاقه خفته این مرد نسبت بدخترش وطرزتفکر دختر نسبت بپدری که تاکنون بزندگی اوعلاقه‌ای نشان نداده ومحیط خشکی که بین این دو نفر بخودی خود بوجودمی آید همه‌اینهارارابسون بایك نظر دقیق وهنرمندانه‌ای پرورانده‌واز همین جزئیات پیش و پا افتاده یك فیلم جالب ودارای‌نکاتی‌عمیق وظریف بوجود آورده‌بود.

در این هفته ما بدیدن‌یکی‌از آثار جدید این کارگردان نائل شدیم در فیلم«ارزش‌طلا»رابسون در همان ابتدا موفق میشود محیط گرم و صمیمانه‌ای بوجود آورده‌و سپس کاراکترهای‌مختلف‌ومتفاوتی را زنده نموده ونسبت بعده‌ای‌حس علاقه و ترحم‌و نسبت بیکعده‌دیگر تنفر وانزجارتماشاچی‌رابرانگیزد

رابسون کارگردانی است‌که در یك‌زمان کوتاه‌و باتعدادمختصری فیلم توجه‌علاقمندان رانسبت‌بخود جلب نموده‌و بافیلمهای‌خودتاکنون این امید را درتماشاچیان آن‌ارش بوجود آورده‌که روزی شاید به شاهکار سینمائی بوسیله او ساخته شود

بیوگرافی هنرمندان پشت پرده

جوزف‌لئومانکویچ [illegible] نویسنده و کارگردان

یازدهم فوریه ۱۹۰۹ در شهر [illegible] واقع در ایالت پنسیلوانیا متولد شد.

۱۹۲۸ـ اخذ لیسانس هنرهای زیبا [illegible] دانشگاه [illegible]

۱۹۳۹ـ [illegible] [illegible] خود [illegible] فرزندان‌او عبارتند از [illegible] [illegible] و [illegible]

از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۲۹ [illegible] برلین [illegible] بکار ورود در استودیوها در گوشه و کنار بکارهای مختلفی مشغول بود.

از ۱۹۲۹ به هالیوود رفت و در آنجا بعنوان سناریست مشغول کار شد واز فیلمهای مهمی که‌سناریوی آنهارا نوشته‌است‌میتوان

۱۹۳۰ـ سکیپی ۱۹۳۱ـ اگر یك‌میلیون داشتم ۱۹۳۲ـ ساق پای یك‌ملیون دلاری ۱۹۳۴ـ ملودرام مانهاتان ۱۹۳۶ـ خشم ۱۹۳۷ـ سه دوست ۱۹۴۰ـ داستان فیلادلفیا ۱۹۴۰ـ زن‌سال ۱۹۴۳ کلیدهای‌سلطنتی بعدازاین‌فیلم‌شخصا بکارگردانی فیلم پرداخت و آثار برجسته‌ای بوجود آورد که‌عبارتند از:

۱۹۴۸ افراد ۱۹۴۹ـ نامه‌ای بسه‌زن (که بخاطر آن دوجایزه اسکار بعنوان بهترین سناریست‌وکارگردان‌سال بدست‌آورد).

۱۹۴۹ـ خانه بیگانگان ۱۹۵۰ـ بن‌بست ۱۹۵۰ـ همه در خصوص‌ایو (بار دیگردواسکار بعنوان بهترین سناریست و کارگردان سال نصیب او نمود) ۱۹۵۱ـ پنج انگشت ۱۹۵۲ـ جولیوس‌سزار

بعد از این فیلم کمپانی «فیگارو» را تاسیس کردوفیلم «کنتس پابرهنه» را بوجود آورد (۱۹۵۳)

درسال ۱۹۵۵ـ جوانان و عروسکها رابرای‌ساموئل گلدوین از روی‌سناریوی‌خودکارگردانی کرد.

و امسال «آمریکائی آرام» را تهیه‌وکارگردانی می‌نماید که اوائل‌سال ۱۹۵۸ آماده نمایش خواهد شد.

عضو آکادمی هنرهاوعلوم سینماواسکرین‌رایترز گایدواسکرین دایرکتورز گایلد.

آدرس‌دفتر کار. ۱۲۷۰ خیابان‌ششم‌ نیویورك‌سیتی ـ ۲۰

نوشته: راجر مرول — ترجمه: پروانه

تاریخچه فیلمهای ((کارتون))

فانتزی‌های دلپذیری که بنام نقاشی متحرک مشهور است چگونه و توسط چه اشخاصی بوجود آمد؟

[illegible] ۱۹۳۰ [illegible] قابل توجه ترین [illegible] نقاشان «لن‌لای» بود که تعدادی فیلم برای موسسات دولتی تهیه نمود و [illegible] نقاشی وی توسط «نورمان مک‌لارن» کامادائی تکمیل گردید. این روش عبارت از آن بود که نقاش بجای آنکه تصویر را روی کاغذ نقاشی کند که بعداً از این تابلوهای نقاشی شده عکس بردارند مستقیماً روی نوار سلولوئید نقاشی می‌کرد و دیگر احتیاجی به فیلم‌برداشتن از روی تصاویر در بین نبود.

در ۱۹۳۶ «لن‌لای» فیلمی باسم «رقص رنگین کمان» تهیه نمود که در آن رقص باله‌ئی توسط یک رقاص که فقط سایه هیکلش دیده میشد گنجانده شده بود.

• • •

در همین سه «برتول بارتوش» فیلم مشهور «ایده» را بوجود آورد «ایده» فیلم‌های نقاشی متحرک را که بهمان وضع «تئاتر سایه‌ها» تهیه میشد در زمینه فیلمهائی که فهرما نانش [illegible]

[illegible] بهم فشرده [illegible] سه [illegible] ورقه نقاشی [illegible] بعداً بوسیله [illegible] [illegible] اینطور [illegible] [illegible] ماشین [illegible] [illegible] پیدا کرد [illegible] [illegible] بروی آن رسم شده بود آماده می‌شد [illegible] زمینه دیگری با چند سطر [illegible] روی این زمینه قرار میدادند. باین ترتیب فواصل در تصویر محسوس و مشهود باشد. این زمینه‌ها هر یک از شیشه‌ای شفاف ساخته شده بود و گاه در یک تصویر چند شیشه به ترتیب روبهم قرار داده میشدند تا از مجموعه آنها تابلوی واحدی بوجود آید. [illegible] این تابلوها را امروزه بزرگان و نگاه نقاشان تهیه می‌کنند. فیلم «ایده» از لحاظ

[illegible] انقلاب [illegible] [illegible] کارگران [illegible] [illegible] انقلاب میشوند و [illegible] شورش [illegible] [illegible] کارگران انقلابی [illegible] گلوله سینه‌ واز پا درمیاورد. قهرمان نقش این کارگران در انقلاب خودشان محسمه سبکی از بشارتی است که حقیقت محض و مطلق را [illegible] متجاوز از بیست سال بعد در انگلستان فیلم «مزرعه حیوانات» توسط «جان هالاس» و «جوی باچلر»، با یک تم جدی مشابه با موضوعی که در «ایده» مورد بحث قرار گرفته بود تهیه شد؛ این دومین بار بود که در یک فیلم کارتون مسئله دراماتیکی که دارای جنبه جدی باشد مورد بحث قرار میگرفت. «مزرعه حیوانات» از یک افسانه سیاسی و اجتماعی اثر «جرج اوردول» اقتباس شده بود.

فیلم کارتون از دیر زمان تا کنون کم کم شاخه‌های خود را در جهات مختلف گسترانیده و در

[illegible] کارتون [illegible] [illegible] معمولی [illegible] [illegible] وجود [illegible] این رشته مخصوص [illegible] [illegible] بابعداری [illegible] [illegible] مصرف هزینه‌ای می باشد [illegible] بعنوان محصولاتی تهیه [illegible] که بتواند مخارج استودیو [illegible] کارکنان آنرا تأمین کند و [illegible] هم عاید تهیه کنندگان شاید [illegible] طول تاریخ سینما کمتر از [illegible] کارتون طولانی یعنی فیلمهائی [illegible] طول مدت نمایش آنها در حدود فیلمهای معمولی دو ساعتی [illegible] تهیه شده است. این رقم شامل فیلمهای عروسکی و فیلمهای نقاشی متحرک بطور مشترک می باشد. باید در نظر گرفت که تهیه یک [illegible] کارتون اگر بیشتر از یک فیلم معمولی خرج نداشته باشد کمتر از آن [illegible] [illegible] برای مثال باید [illegible] یکانه فیلم کارتون طولانی [illegible] انگلستان اشاره شود که [illegible] آثار همه طراحان و نقاشانی که در تهیه آن شرکت داشتند [illegible] هزار بالغ شد و این گروه [illegible] و نقاشان برای نقاشی دویست [illegible] هزار تصویر و در [illegible] هزار صحنه زمینه [illegible] [illegible] تهیه [illegible] [illegible] [illegible] مصرف [illegible] کاملا واضح است [illegible] [illegible] به [illegible] تهیه فیلمهای کارتون علاوه [illegible] و آن شناسائی، مهارت و کار آموزی فنی، حس، درک و توجه [illegible] قدرت تخیل توأم با [illegible] دارا باشد هر گز قادر به بنیان [illegible] یک استودیوی دائمی برای فیلمهای کارتون نخواهد بود

درمیان بزرگترین کارتونیست‌های انگلستان باید «هالاس و باچلر» را نام برد بزرگترین فیلمهای نقاشی متحرک این کشور را استودیوی بزرگ آنها صادر میشود - تصویر سمت چپ مربوط بکارتونی موسوم به «سام سام قشنگ» را نشان می‌باشد و تصویر سمت راست بفیلمی موسوم به «پارچه سحرآمیز» تعلق دارد

[illegible]

[illegible] غربی‌ها و وسترن‌هالیوود ساخته شده [illegible] و هنگامیکه در انگلستان ما بش[illegible] [illegible] آکادمی فیلم [illegible] [illegible] کرمت

استودیوی کارتون سازد یگری [illegible] دولت برخوردار است واحدفیلمسازی است که تحت رهبری [illegible] مان‌مك‌لارن» جزو یکی از شعب موسسه ملی فیلم کانادا» کار میکند [illegible] سبك کاری بسیار ساده و مخصوص [illegible] دارد واحد فیلمساز «هالاس-باچلر» نیز در انگلستان از جنگ بین‌الملل دوم باینطرف با استفاده از کمك و پشتیبانی دولت توانست باسرعت قابل توجهی درزمینه تهیه فیلم‌های کارتون پیشرفت نماید .

• • •

تلویزیون تجارتی ورشته‌های [illegible] صنعتی نیز برای استودیوهای سازنده فیلمهای کارتون ضامن عمل [illegible] کارخوبی بشمار رفته‌اند و [illegible] تعداد قابل توجهی از آگهی‌های تبلیغاتی در تلویزیون آمریکا و [illegible] بصورت فیلمهای نقاشی متحرك تهیه میشوند البته بدیهی است که کارتون‌های تبلیغاتی با آن [illegible] مخارج قلیل و دقت اندکی که صرف ایجاد آنها میشود از نظر [illegible] آثار قابل توجهی نمیتوانند [illegible] با این وصف بعضی از موسسات سازنده فیلم کارتون تهیه فیلمهای [illegible] تجارتی را بیز جدی تلقی [illegible] و در بالابردن اعتبار این نوع [illegible] کوشش می کنند «هالاس-باچلر» در انگلستان و موسسه «یو-پی-ای» در [illegible] از این جمله هستند .

[illegible]

و صرفنظر [illegible] بصورت مدل خاص تهیه میشود [illegible] دیسنی در زمینه کارتون‌سازی [illegible] نهاده شده وامروزه نیز از اصول و متعلقات آن (صرف‌نظر از کارهای استثنائی نظیر «یو-پی-ای») همچنان در سینما رعایت میشود

این استیل در کارتونهای جالب «تام وجری» محصول «مترو» و [illegible] آثار برجسته «وین کریمسو» نظیر «سالادات کوچك» و «چوپان و [illegible]» کاملا مشهود و هویدا است پیکرهای حجم بندی با طرح ملایم خود درزمینه‌هائی که با تقلید دقیق از طبیعت ساخته شده‌اند حرکت می کنند

گاه قدرت تخیل نقاش جسورانه از قانون رعایت شده‌ای که در ترسیم این پیکرهای مدل مانند و مرمولمان بکار میرود تجاوز میکند و «لوسیفر» گربه شرور «سیندرلا» اثر «دیسنی» بوجود میآید .

هنرمندانی که برای استودیو «یو-پی-ای» کار میکنند از مزایای نقاشی متحرك [illegible] استفاده [illegible] کرده‌اند . [illegible] وقتی که در سفر خویش بهالیوود [illegible] از این استودیو دیدن کرده متوجه شده که نقاشان و طراحان وابسته به «یو-پی-ای» نهایت اشتیاق و کوشش را دارند تا کلیه امکانات طراحی و نقاشی معاصر را با استیل‌های مناسب

[illegible] هنری [illegible] کارتون‌سازی [illegible] و [illegible] موسسه [illegible] هیچگونه [illegible] وجه [illegible] این فیلمها [illegible] زندگی [illegible] که نقاشان از یك مسئله یك نواخت بودن زندگی بشری [illegible] میدادند

ساده‌ترین اصول تهیه فیلمهای کارتون در محصولات «یو-پی-ای» به منزله یك هنر در خدمت [illegible] بکار رفته‌است باهای کوچکی که همچون چرخ [illegible] هیکلهائی که طرح معمولا [illegible] دارند و بر زمینه رنگهای تند و روشن قرار گرفته‌اند زمینه‌هائی که کوچکترین وجه تشابه با کوچه و خیابان و اطاق و عمارت را ندارد . هر یك [illegible] این هدف یعنی هنر در خدمت [illegible] و [illegible] هستند . در بعضی از فیلمهای این استودیو مثل «[illegible]» رنگها به اقتضای حالات [illegible] تغییری می‌نمود .

[illegible] کارتون از [illegible] کارتون‌های [illegible] و [illegible] کارتون متحرك روی پرده سینما [illegible] کارتون [illegible] در صفحه روزنامه [illegible] هدف واحدهای [illegible] کارتون‌ساز [illegible] های مشخص و مخصوص

[illegible] نقاشی متحرك فیلمهای [illegible] های آموزنده سینمائی و بالاخره [illegible] آن که عبارت از کمدی سرگرم کننده [illegible] سینما و تلویزیون امکانات وسیع و بی پایانی را که این زمینه فیلمسازی در خود [illegible] دارد [illegible] آشکار ساخته‌اند . [illegible] که مانع از توسعه [illegible] فیلم‌های نقاشی متحرك میگردند عبارت از خرج گزاف و [illegible] است که هنوز [illegible] از سالهای متمادی [illegible] کارتون [illegible] آوردن [illegible] و دستوری خاص تهیه میشود [illegible] حالت و موقعیت آمیز [illegible] بنظر میرسد که فاصله بین کارتونیست‌های آماتور و [illegible] از بین برود و [illegible] دو گروه [illegible] و در [illegible]

[illegible]

[illegible] کارتون [illegible]

[illegible] صفحه [illegible]

بررسی فیلمهای ۱۹۵۷

م - الخاص

THE SPIRIT OF ST LOUIS

روح سن لوئی [illegible]

[illegible]

در سال ۱۹۲۷ هنگامی [illegible] [illegible]

[illegible] بالاخره [illegible] این کتاب [illegible] میشود [illegible] [illegible] و [illegible] تاریخ [illegible]

[illegible] و عظمت این فیلم در اینجاست که [illegible] و دقتی که در مسائل جزئی و بیش [illegible] افتاده [illegible] یک شاهکار سینمائی ساخته شده است [illegible] اینجامیتوان گفت «روح سن لوئی» بآخرین حد زیبائی هنر [illegible] نائل آمده و در تماشاچی [illegible] هوسی که رضا شده باشد باقی میگذارد

این فیلم در [illegible] و برای هر اجتماعی [illegible] شان داده شود بدون [illegible]

[illegible]

«روح سن لوئی» [illegible]

[illegible] چارلز لیندبرگ [illegible]

[illegible] بزرگی بود که چارلز لیندبرگ

[illegible] چارلز لیندبرگ [illegible] روح سن لوئی [illegible] جیمز استوارت [illegible] جیمز استوارت [illegible] [illegible] استوارت بقول معروف «چیز دیگری است»

علاوه بر [illegible] آنچه گفته شد [illegible] این فیلم در تکنیک فوق العاده [illegible]

در [illegible] و [illegible] صحنه‌های هوائی، هنگامی که هواپیما بر فراز آبهای بیکران در پرواز است و لحظه‌ایکه پستی و بلندیهای ایرلند را پشت سر میگذارد و بالاخره صحنه فرود آمدن شبانه هواپیما در خاک فرانسه همهٔ اینها با سیستم سحر آمیز سینماسکوپ و رنگ - آمیزی ممتاز وارنر کالر باعث میشوند که فیلم بطور کلی یکی از شاهکارهای سینمائی محسوب شود

[illegible]

[illegible] در فیلم نشان داده میشود

در ابتدا لیندبرگ جوان خلبانی است که درک میکند [illegible] بوسیله هواپیما از اقیانوس اطلس گذر شود [illegible] همین ایده و بعد از مدتها تلاش و جستجو موفق میگردد که یک عده از اهالی با نفوذ شهر سن لوئی را که فکر میکنند میتوان با این کار برای شهر خود افتخاری کسب کرد با خود موافق نموده و بوسیله پشتیبانی آنها هواپیمای یک موتوره [illegible] را برای منظور خود بدست آورد

فیلم هنگامی باوج هیجان و لحظه دراماتیک خود میرسد که خلبان جوان هواپیما را بپرواز درمیآورد از این لحظه [illegible] شروع میشود - مبارزه با خواب و خستگی، مبارزه با برف و طوفان، هنگامیکه [illegible] از کار میافتد و او بوسیله [illegible] بخود ادامه میدهد و بالاخره لحظه‌ای که در تاریکی شب در [illegible] فرود میآید و یکمرتبه مردم [illegible] از ساعتها انتظار [illegible] [illegible] تجلیل مینمایند

همهٔ اینها لحظات [illegible] شده و [illegible] مرد بزرگی [illegible] تماشاچی [illegible] باقی میگذارند [illegible] [illegible] بازگشت لیندبرگ [illegible] نیویورک واستقبال هموطنانش از او میباشد [illegible] ختم کلام بدون ذکر [illegible] فرا روانتن دور از انصاف و اصولاً غیر ممکن است

(بقیه در صفحه ۳۴)

از همه چیز، از همه جا

لوئیس ... [illegible] !

[illegible]

(مبلس رك) ستاره [illegible]

«دیانادورس» جدید انگلستان !

بعد از اینکه هالیوودیها «دیانادورس» را آنطرف دریاها کشاندند دو
تنها هنرپیشه و ستاره محبوب انگلیسی را از چنگ استودیوها گرفتند. سازندگان
فیلمهای انگلیسی هم برای تلافی از ضرری که متوجه‌اشان شده‌بود پس از جستجوی
فراوان، دختری بنام «کارول‌لسلی» را بدام انداختند و با او
قرارداد هشت ساله منعقد کردند که باین زودی هالیوودیها هوس دیگری
بکنند ...

[illegible]

... لانا ترنر همبازی باشد.

خبر شبابی بونیبورسال فرا ... دادی با «لانا» مصمم کرده‌است که بعد از فیلم با «هودسن» در این استودیو بازی کند.

• ... هنرن تصمیم دارد هر یکی را ... و در رادیو و تلویزیون فقط «آواز» بخواند ... عقیده «جو ماستر» ... تبیه شده معروف، «جین کلی» خوش لباس‌ترین مرد هالیوود است ...

• «دینامورهنو» ستاره سینما ... شهریار ... لب به سیگار نزده‌است

• «دانا ویندز» سه اتومبیل دارد ... یکی برای رفتن به استودیو، دومی برای مراجعت بخانه‌اش و با سومی هم بجشن شب افتتاح فیلمش نزول اجلال میفرماید!

• کمپانی «فوکس» قصد دارد ... بشرکت «جین راسل» و «جیمز کاگنی» بسازد

... (... لین) وسط فیلمهای ... و ... (آمریکائی) ... شائی حاصل ... که چهره‌های ... دارد اکنون ... سال بیشتر از سنش ... و ... (کواوبه کوکاب) مشهور است (آدلین) ... کار میکرد در ... و ... بوسیله ... کوکاب) ... شوهرش بوسیله ... امرار معاش ...

دوقلو!

(ادی کی) با (جورج کوبل) راجع به (پیر آنجلی) و (ماریزا پاوان) دو خواهری که بهم شبیه بودند صحبت میکردند (ادی کی) میگفت:

- گمان میکنم دوقلو باشند که اینقدر شبیه بهم هستند
(جورج کوبل) اظهار ...
- اگر هم دوقلو نباشند باید ... یکی دو ... بدنیا آمده باشند.

بمناسبت نمایش فیلم «خلبان گمشده»

یك گانگستر ابدی به ابدیت میپیوندد...

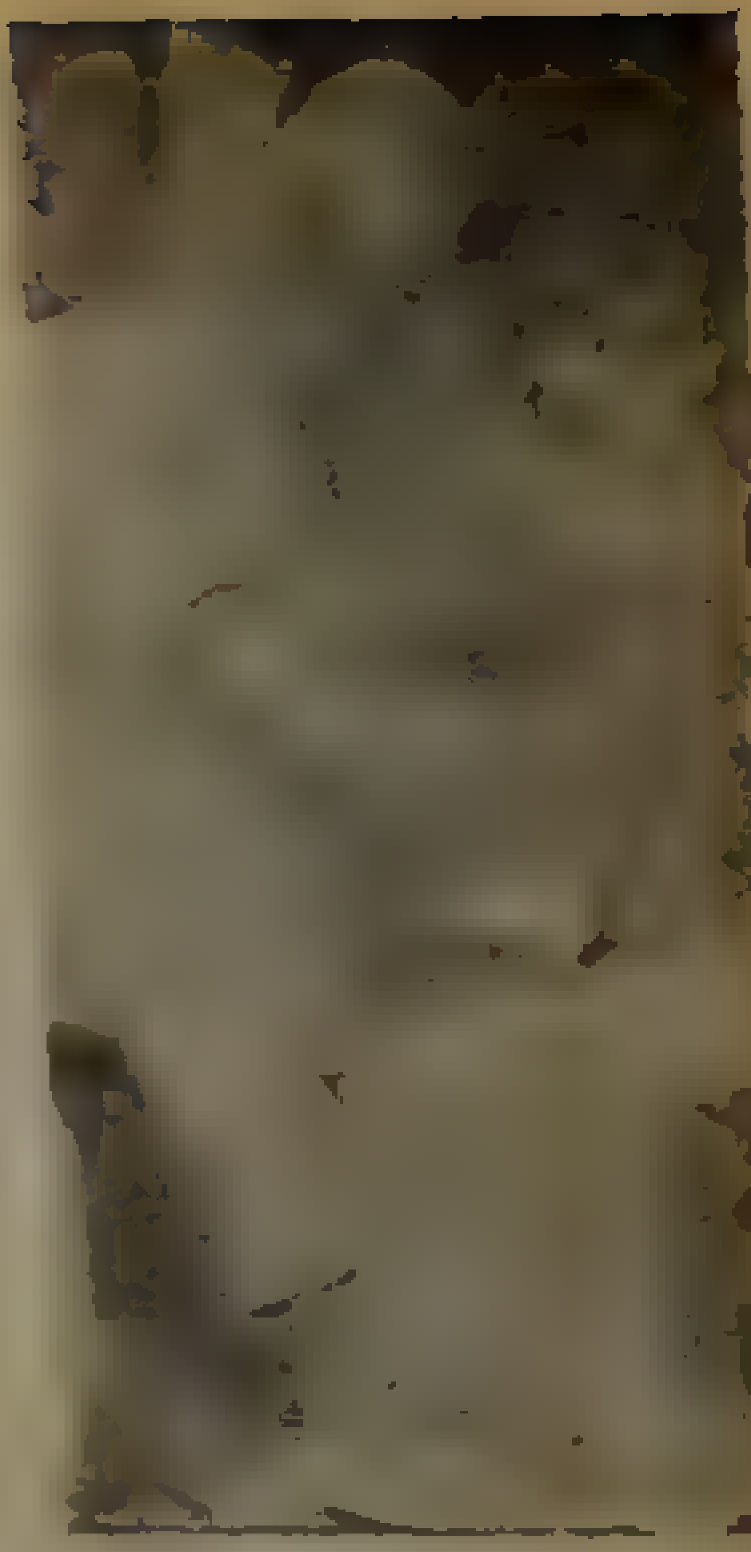

باوجود یکعمر شرکت در فیلمهای جنائی وایفای نقش جنایتکاران مقدر آن بود که وی در رل یك ماجراجوی خشن و بی‌خیال ودریك فیلم غیرجنائی جایزه اسکار را بدست آورد این فیلم (ملکه افریقا) بود

درطی مدتی که سینما بوجود آمده است خیلی کم بوده‌است که یك هنرپیشه بتواند باشرکت در نقش‌های خاص وواحد مقام‌ارجمند وبزرگی درمیان هنرپیشگان برای خود کسب نماید وبعبارت دیگر بتواند قید کاراکتر شناخته شده سینمائی خویش‌را بشکند و کسب وجهه واعتباری برای خود بنماید. «همفری بوگارت» یکی ازاین هنرپیشگان معدود بوده‌است که باوجود شهرت جهانی خویش بعنوان «گانگستر ابدی» و بیست سال شرکت درفیلمهای جنائی توانسته است اندك اندك خاطر دوستداران خویش‌را ازسابقه جنایتکارانه (!) روی پرده سینما منحرف گرداند و خصوصیات یك آکتورتوانا وهمه فن‌حریف را دروجودخویش توسعه دهد. «بوگارت»، که یك هنرپیشه حرفه‌ای بمعنی واقعی خویش محسوب میشد ومتجاوز ازهفتادفیلم درسابقه درخشان هنری خویش داشت اندکی قبل ازمرگ باوج قدرت وافتخار رسید این افتخار که ازکلیه جهات مادی ومعنوی مقام خود رادرسینما تثبیت شده میدید نشان میداد که پس ازسالها مشقت و کار آموزی،

به ازشرکت بلاوقفه درصحنه های مختلف بالاخره توانائی ومحبوبیت یك هنرپیشه بتمام معنا را بدست آورده است؛ اودرس هنرپیشگی خویش را بدشواری وازراه صحیح آن آموخته بود.

• • •

«همفری بوگارت» یازده سال اولیه دوران هنرپیشگی خود را با ایفای نقش جانیان جوان و عاشق پیشه بانجام رسانید.

نخستین شانس بزرگ زندگی وی باشرکت دریك نمایش برودوی باسم «سویعتی» فرارسید منتقدی درباره بازی وی دراین نمایشنامه نوشت «اگر بخواهیم خیلی باین جوان رحم کرده باشیم می‌توانیم بازی اورا غیرکافی بنامیم». این انتقاد وموانع دلسردکننده دیگری نظیر آن خوشبختانه «همفری» را ازراه خویش منحرف نساخت واین آکتور پرشور وفعال در ۱۹۲۱ بهالیوود روی آورد وجزو هنرپیشگان تحت قرارداد استودیو فوکس درآمد. فیلمسازان این استودیو سعی داشتند اورا مدل دیگری نظیر «کلارك گیبل» بسازند ونقش‌های عاشقانه و احساساتی را بعهده‌اش واگذار شد ولی فعالیت دراین زمینه ازعهده «همفری» ساخته نبود واو بناچار باردیگر بتئاترهای برودوی بازگشت. اینبار در نمایشنامه «جنگل سنگ شده» نقش یك جانی بیرحم وخشن را باو سپردند و«همفری» در نقش چنین کاراکتری بهترین بازی ممکنه را ارائه داد. «جنگل سنگ شده» برای این مرد شهرتی باور نکردنی کسب نمود و بعد هم که فیلمسازان در صدد تهیه فیلمی ازروی نمایشنامه آن برآمدند طبعاً «همفری» را درفیلم نیز ببازی گرفتند. باوجود آنکه وی دراین فیلم بارقبای توانائی چون «بت دیویس» و«لسلی هوارد» (فقید) روبرو بود معذلك توانست تمام شور وجذبه فیلم را بوجودخویش [illegible] توجه اصلی ماجری باشد. ازاین پس دیگر او درهالیوود پذیرفته شده بود.

درطی سالهای بعد «همفری» دریك سری فیلمهای گانگستری ودرنقش‌های مشابه رلی که در «جنگل سنگ شده» داشت ظاهر گردید و تنها فایده این نقش‌ها برای وی آن بود که توانست کیفیات خاص تیپ جانیان رابخوبی وبنحوی بی‌سابقه درخود بپرورد وروی پرده متجلی سازد. دراین ایام همکاری وی باهنرمندان توانائی نظیر «مایکل کورتیز»، «رائول والش» و«لوید بیکن» کارگردانان بزرگ وباسابقه سینما برای او بسیار مغتنم بود. فیلمهای مشهوری از قبیل «سان کوئنتین»، «کید گالاهاد» و«فرشتگان کثیف چهره» برای آثار مشابهی که بعد ازآن تهیه گردیده است سرمشق و نمونه بشمار میرفتند.

درطی همین دوره [illegible] همفری [illegible] آزمایش [illegible] [illegible] و وادار [illegible] رابینسون درجه [illegible] شرکت [illegible] «کلوله [illegible]» (۱۹۳۶)، «سالهای پرخروش» (۱۹۳۹) و «براقهای [illegible]» (۱۹۳۹) بودند.

درمیان علاقمندان ودوستداران بیشمار «همفری بوگارت» همیشه تعداد حیرت آوری ازاجناس لطیف (!) موجود بوده‌اند، شاید حقارت توام باخوش قلبی که وی بجنس زن روا میدارد تااین حد این جنس را مسحور او ساخته است. بزرگترین نقش عشقی «بوگارت» را رل او در فیلم «کازابلانکا» میدانند ولی او براستی شاهکار نقش‌های عاشقانه خود را درفیلمی بنام «درگوشه انزوا» بعهده داشت

بقیه در صفحه ۳۰

جنگل سنگ شده که در آن (بت دیویس) و (لسلی هوارد) رلهای اصلی را عهده دار بودند نخستین فیلمی بود که نام (همفری بوگارت) را با اعتبار ومفهوم بزرگی توام ساخت از این پس او یك [illegible] شناخته شده و مشهور بشمار میرفت

سینما، هنر هفتم

قسمت سوم: سناریو

هنگام تهیه یک فیلم، صرفنظر از کارگردان و تهیه کننده که از بدو شروع بکار تا هنگام نمایش وظایفی بعهده دارند، کار سایرین هر یک باندازه لزوم در مدت معینی محدود میگردد. سناریست، هنرپیشه، دکوراتور، فیلمبردار، مونتور وغیره هر یک پس از انجام وظیفه خود دیگر در جریان تهیه فیلم نقشی ندارند و همانطور که گذشت تنها کارگردان و تهیه کننده می باشند که در حقیقت وظیفه اصلی را بعهده داشته و از ابتدا تا انتهای کار دست از فعالیت نمی کشند. لازم بتذکر نیست که تهیه یک فیلم جز با در دست داشتن یک سناریوی کامل توام با دیالوگ و دکوپاژ مقدور نیست. وظیفه سناریست هنگامیکه اولین صحنه فیلم جلوی دوربین میرود، خاتمه یافته تلقی میشود و درضمن نباید فراموش کرد که وجود سناریو و سناریست در موفقیت یا عدم موفقیت یک اثر سینمائی نقش عمده‌ای را ایفاء میکند. اینک خانم «فرانسس ماریون» سناریست استودیو مترو گلدوین مایر که سالهای متمادی برای استودیوی مزبور بنگاشتن سناریو پرداخته است، تجربیات شخصی خود را راجع بچگونگی تهیه سناریو و عواملی که در موفقیت آن موثر میباشند در طی این مختصر مورد بررسی قرار میدهد

بهرام

در اولین مراحل تهیه فیلم و [illegible] کارگردان وقتی کاملا [illegible] بکار ساختن فیلمی میشد، [illegible] وسیله [illegible] مبهم و فشرده [illegible] موضوع مورد نظر چیزی دیگری در دست داشت. همراه با پیشرفت سایر وسایل و امکانات حرفه فیلمسازی تهیه کنندگان متوجه این نکته گردیدند که برای صرفه جوئی در وقت و پول لزوم یک سناریوی کامل و منظم شده قبل از شروع بکار غیرقابل اجتناب بنظر می رسد. بدین ترتیب بعدها وقتی کارگردان پشت دوربین قرار میگرفت و آماده کار میشد میدانست که چه میخواهد و چه باید بکند.

یک سناریست مطلع قبل از هرچیز باید بامور سینمائی احاطه کامل داشته باشد. بلا بهار اشاره به ترکهای سینمائی وارد بوده و موارد استعمال فوندو (محوشدن تدریجی صحنه)، آنشنه (محوشدن تدریجی یک صحنه توام با ظهور تدریجی صحنه بعد)، حرکات مختلف دوربین از قبیل تراولینگ، حرکت پانورامیک و غیره وارد باشد. در ضمن سناریست هنگام نگارش سناریو باید پرسوناژها را طوری خلق نماید که بیننده نسبت بسرنوشت و طرز اعمال و رفتار آنها احساس همدردی نماید و علاوه بر آن حوادث و ماجراهای سناریو با آکسیونهای جالب و درعین حال مبتکرانه توام باشد. اصولا تماشاچی میل دارد وقتی درسالن سینما به مشاهده فیلمی می پردازد، هرچه بیشتر احساساتش دستخوش التهاب و دگرگونی گشته و حالات روحی قهرمانان داستان را عینا احساس کند و تنها در اینصورت است که فیلمی مورد پسند عموم قرار گرفته و هرقدر داستان فیلم و ماجراهای آن شورانگیزتر باشند، درجه فروش و کار کرد فیلم ترقی بیشتری خواهد کرد. نکته قابل توجه اینکه سناریست باید نسبت به تغییرات ذوق و طبایع مردم در طول سالها کاملا آشنائی داشته باشد و بداند که در شرایط موجود، چه نوع داستانهائی بیشتر مورد پسند قرار میگیرد، مردها چه تیپ زنهائی را دوست دارند و چه خصوصیاتی در وجود مردها باعث جلب توجه زنان میگردد حتی در فیلمهای پلیسی همواره باید شرایط روز را در نظر داشت غرض

گانگسترهای نیمه‌دوم قرن بیستم در طرز کار، اعمال و سخنان خود دارای مشخصاتی هستند که از طرف سناریست باید کاملا مورد توجه قرار گیرد.

اکثر سناریستها عقیده دارند برای موفقیت یک فیلم و برای اینکه تماشاچی بدون احساس خستگی با اشتیاق مشاهده صحنه های فیلم بپردازد، لازم است حتی در فیلمهای سنگین گاهی اوقات صحنه های مفرح توام با موزیک یا یک دیالوگ خنده آور گنجانده شود و علاوه بر آن بایستی تا آنجاکه مقدور است از طول کلام بین پرسوناژها جلوگیری کرده و بیشتر بحرکت و آکسیون از اختصاصات هنر و صنعت سینماست پرداخت بدیهی است سناریستهائی که اغلب بنگارش سناریو برای فیلمهای سبک با یک داستان عشقی معمولی می پردازند، در کار خود با مسئولیت چندانی روبرو نیستند و میتوانند صحنه‌ها را بدلخواه خود تنظیم نموده و درضمن هرطور که صلاح میدانند آنرا باتمام برسانند

ولی نگارش سناریوی فیلمهای پر اهمیت و باارزش از قبیل فیلمهائی که از تاریخ ملل اقتباس میشود، سرگذشتهای حقیقی، فیلمهای سیاسی، مذهبی وغیره مسئولیت خطیری را برای سناریست ایجاب مینماید و اکثر تهیه کنندگان نگارش این قبیل سناریوها را فقط به سناریستهای باسابقه و قابل اطمینان می سپارند.

سناریوهائی که از کتب و رمانهای گوناگون اقتباس میشوند اغلب برحسب لزوم تغییراتی پیدا کرده و آنگاه برای فیلمبرداری آماده می گردند. این تغییرات بیشتر از این نقطه نظر هستند که عمل نویسندگی در بیان و توصیف یک حادثه و حالات روحی قهرمانان آن بافیلمسازی تفاوت عمده‌ای دارد و از این جهت در ترجمه کتاب و حروف بتصاویر متحرک و گویا تغییرات فراوانی لازم بنظر میرسد و همانطور که تاکنون مشاهده کرده‌اید رومانهای مشهور هنگامیکه روی پرده می آیند کم و بیش تحریف شده و باصطلاح توسط سناریستها و آرایش شده‌اند این نکته هم ناگفته نماند که ذوق و

سلیقه شخصی [illegible] [illegible] [illegible] دخالت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بیکفر [illegible] [illegible] صحنه‌های [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] باشد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جلوه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سناریست دیگری [illegible] وجود آوردن صحنه های مهیج [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شده‌اند [illegible] [illegible] جهت سناریستها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] گردند [illegible] تهیه کنندگان برای [illegible] سناریوی مورد نظر [illegible] [illegible] سناریستهائی [illegible] [illegible] [illegible] در نگارش نوع مخصوص سناریوئی [illegible] موفقیت روبرو شده و در [illegible] [illegible] باندازه کافی مهارت کسب نموده‌اند درضمن نباید [illegible] نظر دور داشت که وجود دیالوگ نیز در سناریو حائز ملاحظه‌ای [illegible] [illegible] است و تماشاچی از سناریو فقط مکالمات بین هرپیشگان را میشنود و اصل ماجری بصورت تصاویر متحرک درآمده‌است برای نگارش دیالوگ یک فیلم نیز اغلب از کسانیکه در نگارش مکالمات تخصص دارند استفاده میشود و گاهی هم مشاهده میشود که سناریست شخصا اقدام باین عمل مینماید

باین ترتیب وقتی سناریو بپایان رسید و دراختیار تهیه کننده گذارده شد، سناریست دیگر هیچگونه نقشی بعهده نداشته و در حقیقت وظیفه او بپایان رسیده‌است.

در خاتمه برای بیان اهمیت وجود سناریو و سناریست در تهیه یک فیلم باید متذکر شد چه بسا رومانها و داستانهای جالب و پرفروشی که بصورت فیلم درآمده و باشکست مواجه شده‌اند و بدون شک علت شکست اینگونه فیلمها را قبل از هرچیز باید در سناریو و چگونگی نگارش آن جستجو نمود و همین طور تاکنون بارها مشاهده گردیده که فیلمی از یک رومان کم‌نام یا یک ماجرای حقیقی فراموش شده بوجود آمده و با موفقیت غیرمنتظره‌ای روبرو شده است. بدیهی است در اینگونه موارد سهم عمده‌ای [illegible] برای سناریست [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] کورانور

نمایشنامه

دوشب باسوفیالورن

کاراکترهای این پیس : حاجی اسماعیل
ابرام سوسکی ویك ژیکولو

قسمت اول درحجره حاجی

ابرام – صبایی جون [illegible] و علیك .

حاجی – [illegible] آقا ابرام . برادرزیبی فرمایشی بود

ابرام – و بون حواسی که جمع بس ، مگه قرار بود شب بریم سینما

حاجی – هربون اون دهن گرمت ؛ بداوسرچراغی به چیزی دشت کنم الان یکساعت تو مه که یك مشتری حسابی تورم نخورده هش میان باین بازیچه‌ها چشم چرونی میکنن و آخرش میگن ببخشین جیرو ببخشم ، حفظ خدا شاهد رو بپدرو مادر تون ببخشه که همیشه باعث زحمت ماميشين ، خدامرده آزاردو گرفتار زمادرزن کنه

– بالاخره میای بریم یانه

– آخه هرکی اینجاها بیره بهو کافرمیشه ماه میبرسیم لادیس شیم

– زکی بس تموه اینائی که سینما میرن کافرن ، خدا بهدیزه عقل تو بده و (یك) سك خوشگله محاجین که عقشو برسیم

– امامیزابرام ، توی این معامله ما ضرر میکنیم و ورشکست میشیم

– بی معرفت تو با بوزه زار ! (۵ ۱ ریال) ورشکست میشی مارو ببین که باچه کمی دمغود شدیم .

– محض خاطر تو ما این یو بوزه زار صاحب مرده رو میریزیم دور

قسمت دوم درمقابل سینما

ابرام درحالیکه روی بحاجی دارد میگوید : این همون فیلمه که «سوفیالره» توش بازی کرده خدار ببینیم اسم فیلم چیه آهان دوشب با کله پاچه»

– چقره بیسوادی اینجا نوشته «دوشب باکلباجی» نه «دوشب با کله پاچه»

«دراینحال جوان شیك پوشی خودرا داخل صحبت آنان کرده میگوید : هوالالا آقایان چه اشتباه بامزه‌ای میکنید اسم فیلم هست «دو شب باکلئوپاترا» که سوفیالورن عزیز وماماي دراین فیلم عاشقان خودرا تکان میدهد

– آقای جیگول ترمز کن که بنزینت داره تموم میشه خیال کردی ماسینما ندیده‌ایم ما باندازهٔ موهای سبیلت سینما رفتیم

– تیك ابت ایزی

– میزابرام تیکه‌دیزی : کدوم

ضعیفه لاید ازهمون تیکه هس که دنبالش میگردی .

– اوه آقای حاجی کف‌صحبت دیگر

– زرشطون حروم لعمه‌لهپ پس چرا به حد رمون حرف میزنی

ابرام – حاجی جون ولش این تیکه اینکه از سیاهی

من دیزی باشه فقط بدردخودش میخوره حالا پول بلیطو باید سلفی نادو تا بلیط کارشو بکنیم

قسمت سوم درمقابل گیشه سینما

حاجی درحالیکه بلیط فروش سینما رامخاطب قرارداده میگوید ضعیفه دوتا بلیط بمیزابرام بده

مادام بلیط فروش – بلیط درجه یك یادرجه ۲

«حاجی روی به ابرام» – مثل اینکه اینجام روجسشون نرخ میذارن و درجه درجه میکنند تا جنسای بنجولو قالب کنند دراینحال روی بلیط فروش کرده میگوید آبجی جون ما این دیشارو الکی سفید نکردیم ، سرچراغی با ما ارزون حساب کن تامشتریت بشیم .

دراین هنگام ابرام سخن حاجی

را قطع [illegible] میگوید

[illegible] داری [illegible]

[illegible] حاجی [illegible] عطر ورغن بلیط اما [illegible] این هم دوتا خودتون [illegible] برای [illegible] مس

قسمت چهارم درسالن سینما

پس ازاینکه فیلم شروع میشود ابرام سوسکی وحاجی اسماعیل با [illegible] مشغول تماشای فیلم هستند [illegible] فیلم به سمت [illegible] آوردوره [illegible] دراین موقع حاجی اسماعیل به ابرام میگوید

– این [illegible] توی این فیلم بازی میکنه [illegible] اینکه الان داره چیزی میشه، میترسم از دست این دختره با نمك عش ور بمه کنم .

– همچین نه دیگه داری از عقشش عش و ریسه میری اسمشو بیارو بگو سوفیالره تا بهو از عقشش برقص (رمص) درنیای ،

– امروزمن دیگه پاك کافر شدم واسهٔ اینکه دلم واسهٔ این دلره (سوفیل) وبال افتاده وصد دل نه هزاردل عاشقش شدم ،

– سوفیالره جیگر خودمه ،

پس ازاینکه چند صحنه فیلم می گذرد صحنه کلئوپاترای ثانی را نشان میدهد که برقرارگاه کلئوپاتر نشسته و مردی نزدیك او نشسته درحالیکه کلئوپاترا میگرید بادیدن این صحنه حاج اسماعیل روی بابرام کرده میگوید

میزابرام این ضعیفه که مثل صیغه‌های خوش آب ورنك میمونه بااین کاراش مارو یاد والدهٔ آقا مصطفی میندازه که تامیگیم بالای چشمت ابروست آبغوره میگیره مام مث این مسکه «مضحکه» هرچی میخوایم از خرشیطون بیاریمش پائین ، پائین نمیاد وروزه میگیره .

– حاجی جون والدهٔ آقا مصطفی کیه ، چرا مارو باهاش دمغور مکردی تااونو سك حاجیت میکردی که ازبی نشه‌ای و از تنهائی داره لو لك میندازه .

– دهنتو آب بکش مومن مقصد ماازوالدهٔ آقا مصطفی عیالمونه که مث جك ازبانك برگشته بخ ریش ماگیر کرده وجزدردسر برای ماچیز دیگه نداره .

بقیه درصفحه ۳۰

اصول کارگردانی

نوشته : لوینگستن
کارگردان فیلم‌او تش آمریکا

ترجمه : منوچهر طیاب

-۸-

تصویر بلکه بوسیله عدسی چه میشود تنها در یك مکان میزان است.
این مکان را میتوان بطور دلخواه با چرخانیدن عدسی تغییر داد از طرفی در اطراف این ناحیه نیز اگر تصویری قرار بگیرد باز هم واضح خواهد بود و (این ناحیه را تا اندازه‌ای خارج از فاصله کانونی است ولی باز هم مورد قبول میباشد این ناحیه را (عمق میزانی) گویند

کمپوزیسیون:

کمپوزیسیون عبارتست از جای دادن اشیاء در داخل کادر فیلم
کمپوزیسیون دارای انواع مختلف و زیادی است ولی بسته بسلیقه و طرز فکر فیلمبردار است
در کمپوزیسیون قوانینی وجود دارد که باید از آنها پیروی شود و شاید هم در بعضی مواقع نقض گردد بهر جهت بعضی اشخاص نظرشان در انتخاب موضوعات مصنوع دقیق میباشد
کادر فیلم سینما برای کمپوزیسیون بسیار پسندیده است پرده‌های مدور و مربع آنقدر که پرده مستطیل دلچسب است مطبوع نمیباشند زمانیکه اربابان صنایع تلویزیون باین فکر افتادند که پرده‌های دایره‌ای شکل را مورد علاقه عموم نمایند فقط بعلت متناسب نبودن آنها برای ترکیب مطبوعی از اشیاء با شکست مواجه شدند
در کمپوزیسیون بهتر است هیچگاه موضوع اصلی را در مرکز هندسی پرده قرار ندهیم زیرا امروزه قرینه‌سازی مورد علاقه عموم نمیباشد.
برای شرح این مطلب یك پرده در (ایج) رسم کنید حال دو خط عمودی از میان مستطیل طوری رسم کنید که مستطیل به سه مستطیل کوچکتر و مساوی تقسیم گردد و بعد دو خط افقی چنان بکشید که مستطیل از عرض به سه مستطیل مساوی و کوچکتر تقسیم شده و با بطور کلی مستطیل اصلی به ۹ مستطیل کوچکتر تقسیم گردد. خطوط هر عکس (سرحد بین تاریك و روشن) بایستی تقریبا در طول بعضی از این خطوط باشند در صحنه‌هائی که روشنائی کم است بایستی دو سوم (در تاریکی و یك سوم کادر در یك کنتراست) قرار گرفته باشد. و عکس در صحنه‌هائی که نورشان زیاد است بایستی یك سوم کادر در تاریکی و دو سوم کادر در نور زیاد قرار گرفته باشد و اگر میزان نور را نصف به نصف اختیار کنیم صحنه جالبیت خود را از دست میدهد
هر کادر بایستی دارای یك مرکز جالب باشد و آن مکانی است که چشمان بیننده را بسوی خود جلب میکند
یکی از مقدماتی‌ترین قوانین که اغلب رعایت نمیشود اصل پر کردن کادر است کادر فیلم نبایستی مساحت زیادتری از مقدار لازم برای شرح داستان را شامل باشد البته اینطور معنی نمیدهد که هر صحنه بایستی یك (کلوز آپ) باشد و (لانگ شات)ها کمپوزیسیونهای بدی هستند عکس باید از گفته بالا چنین نتیجه گرفت که در کادر فیلم بایستی همانچیزی قرار بگیرد که مورد علاقه است نه کمتر و نه بیشتر

نور

نور نیز مانند کمپوزیسیون و عدسیها دارای اعمال زیادی بوده و موضوع قابل بحث بیشتری است آنهائیکه توجه مخصوص بهریك از این موضوعات دارند، بایستی با بعضی از کتابهائی که در دسترس است مشورت نمایند. و در اینجا منظور این نیست که تکنیکهای نور و اعمال آنرا مورد بحث قرار دهیم زیرا نور در میدان تکنیك فیلمبردار است. در اینجا فقط منظور معرفی بعضی از اصطلاحات و روشهائی را که کارگردانان بایستی با آنها آشنا باشند است
تمام انواریکه بر روی یك موضوع میتابند متمرکز و از منابع مختلف تهیه میشوند که سه طبقه عمومی تقسیم میگردند.
مقدماتی‌ترین منبع نور در صحنه KEY - LIGHT است.
اگر صحنه برای فیلمبرداری در نور خارج باشد در (کی‌لایت) بایستی چراغ بسیار قوی که برای واضح کردن خورشید بکار رود موجود باشد
و آن معمولا با زاویه‌ای ست دوربین در جلوی موضوع قرار داده میشود بطوریکه سایه‌های خوب و قابل توجه میاندازد زیرا در فیلمبرداری سیاه و سفید سایه‌ها و روشنها هستند که فیلم را بوجود میآورند، بنابراین قرار دادن (کی‌لایت) دارای اهمیت زیادی است
نور FILL - LIGHT کمتریست که از جلو و اطراف موضوع تابیده و سایه‌هائی را که بوسیله (کی‌لایت) بوجود آمده تصحیح مینماید اگر (فیل‌لایت) بکار برده نشود سایه‌ها نسبتا سیاهتر از خاکستری مصنوع میکردند
در BACK - LIGHT عقب و بالای موضوع قرار گرفته بطوریکه یك هاله نور در لبه های موضوع میاندازد (بك‌لایت) موضوع را از زمینه خارج کرده و عمقی بعکس میدهد
وظیفه فیلمبردار اینست که نورهای فوق را طوری میزان کند که تمام فیلم یکسان روشن باشد هر فیلمبردار بایستی متدهائی را برای نور دادن صحنه داشته باشد خواه صحنه (کلوز آپ) یك هنرپیشه یا (لانگ شات) از یك مجلس بال یا صدها زوج رقاص باشد
نورافکنهای استودیو که در فیلمبرداری از صحنه‌ای بکار میروند بدو دسته BROAD و SPOT طبقه بندی شده‌اند
BROAD پروژکتوری است که با شیشه نیم شفاف پوشیده شده و نور صافی روی قسمت های سایه روشن میاندازد که اغلب برای تهیه (فیل‌لایت) بکار میرود.
SPOT پروژکتورهای لوله‌ای هستند که پرتو زیادی در روی هر نقطه مشخص میاندازند SPOTها به DEUCE و FIVE هائی SEVEN-FIFTY و INKIE تقسیم میشوند
FIVE یك چراغ ۵۰۰۰ وای DEUCE ۲۰۰۰ چراغ SEVEN - FIFTY [illegible] چراغ [illegible] و INKIE [illegible]
[illegible]
[illegible] FIVE را [illegible] DEUCE را SENIOR SEVEN-FIFTY را JUNIOR و BABY را INKIE میگویند.
[illegible] در [illegible] صحنه‌های خارجی باشد ممکن است یك ARC بایستی ARC بکار رود [illegible]
[illegible]
فیلمبردار برای کنترل شدت نور پروژکتورها چند متد در اختیار دارد، شدت SPOT را بوسیله دسته‌ای که در پشت آن قرار دارد و شعاع نور را جمع یا باز مینماید کنترل مینماید و یا در مقابل پروژکتور یك SCREEN با NET که نور را میشکند قرار میدهد (منظور از NET شبکه توری نازکی است) که میتوان آنرا در مقابل BROAD هم قرار داد، اما این پروژکتور نور کنترل نور داخلی را که SPOT دارا میباشد ندارند و فیلمبردار باید BROAD را بطرف موضوع جلو و عقب ببرد تا شدت آنرا کنترل نماید
فیلمبردار برای از بین بردن نور در جائیکه لازم میباشد GOBO بکار میبرد
(گوبو) یك تخته سیاه رنگ شده است که روی لوله عمودی با بازوها و پیچهای قابل تغییر نصب شده قرار دارد
[illegible] فیلمبرداری [illegible] خارج [illegible] خورشید [illegible] و چراغهای استودیو را برای کامل کردن قسمت عقب بکار برد. بهرحال روشنائی بوسیله REFLECTOR (منعکس کننده) [illegible] از تکه‌های بزرگ تخته‌سه‌لائی میباشد که روی آنها با کاغذ [illegible] پوشیده شده
فیلمبردار بایستی خورشید را [illegible] در حالت طبیعی خورشید [illegible] اگر خورشید [illegible] و سپس موضوع [illegible] شده و [illegible] اگر خورشید پشت صحنه [illegible] و

بقیه در صفحه ۳۰

...اده‌رو

...مکار «فرداخیلی دیر است»

...ونی ، که اثر نیلدو گی استاد آنست

...طرافش دقیقاً و عمیقاً اندیشه شود

[illegible] اصفهان همه [illegible] [illegible] [illegible] ... چنین بنظر میرسد که [illegible] [illegible] پیاده‌رو [illegible] از آن [illegible] که [illegible] نوشته مو گی است [illegible] اصفهان مردم تهران مواجه شود [illegible] کامل توجه است که [illegible] [illegible] است [illegible] پیاده‌رو [illegible] که یکی از مشخصه‌های اصلی پرورش مضمون در کلیه آثار مو گی است ، بخوبی بچشم میخورد و آنرا میتوان مثل انگلوساکسون‌ها یک HUMAN DRAMA کامل دانست

سناریوی این فیلم را مو گی شخصاً نوشته و در آن مسئله عدم تامین ، تخطی وفحشاء را که همه ناشی از شرایط غلط اجتماعی است مطرح نموده‌است و[لی] یکبار دیگر نیز این مسائل را در فیلم «فردا روز دیگری است» مورد بحث قرار داده بود . با اینحال نگارنده شخصاً تصور میکنم که شدت تاثیر [illegible] در کنار «پیاده‌رو» از اثر نامبرده بیشتر است زیرا بابانی که با نهایت استادی برای فیلم جدید در نظر گرفته شده ،

[illegible] [illegible] [illegible] میتواند [illegible] اساسی ساختن و کار گردان را مورد [illegible] تماشاچی و [illegible] این پایان [illegible] ترین [illegible] است که میتوان [illegible] آن [illegible] ضعف اجتماعی که محیط [illegible] را تشکیل میدهند جستجو [illegible]

با آنچه [illegible] گفته شد ، متوجه میشوی که این فیلم تنها یک تفریح دوساعته نیست و تماشاچی که مایل است در [illegible] مشاهده یک فیلم ، مغز و فکر خود را [illegible] عشق نگار [illegible] [illegible] از دیدن آن لذتی نخواهد برد . برعکس کسانیکه مایلند سالن سینما برای ایشان ، از درون سیاه و سفیدهای سایه آلود پرده مرجع مستقل یک جنبه آموزندگی تعلیماتی و تبلیغاتی داشته باشد ، آنرا شاهکاری خواهند دانست

مخصوص [illegible] توجه کرد که این فیلم مزیت عمده‌ای را واجد است ، چه از طرفی فیلمهای آموزشی و تعلیم و تربیتی و از طرف دیگر فیلمهای تفریحی و نمایشی ، هردو در جهان بسیار ساخته میشوند موهبتی است که یک فیلم بتواند هر دوی این جنبه‌ها را در خود حفظ کرده ، درقالب یک نمایش دوساعته نکات لازم اخلاقی را نیز که توسط یک فیلمساز روان شناس جمع آوری شده ارائه دهد.

(آن ورنون) در این فیلم حقیقتاً گرم و دلنشین بازی میکند سهولت بیان و حرکت و نرمش

خاصی که درون [illegible] محسوس [illegible] کاملا [illegible] [illegible] را [illegible] با [illegible] که کاراکتر مرکزی را [illegible] هنرپیشه [illegible] است و [illegible] فیلمهای آینده‌اش [illegible] [illegible] فیلمها مورد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فیلم [illegible] عمده‌ای دارد

در کنار پیاده‌رو [illegible] [illegible] که [illegible] مورد توجه [illegible] اجتماعی و رهبران [illegible] قرار گیرد [illegible] هدف از ساختن این فیلم [illegible] [illegible] و پیدا کردن راهی برای [illegible] [illegible] بوده‌است برای آنکه این هدف تامین شود ، [illegible] این فیلم [illegible] و نه تنها [illegible] کی [illegible] بلکه درباره آن و مسائلی که مطرح میکند [illegible] [illegible]

[illegible] در [illegible] فیلمهای بزرگ [illegible] [illegible] [illegible]

در کنار پیاده‌رو

اثر دیگری از سازنده هنرمند ...

نمونه و محصول جالبی از «سینمای ...»

فیلمی که نه تنها باید آزاد دید، بلکه لازم است ...

دختری مادر خود را از دست میدهد، هوسهای آنهای [illegible] و [illegible] وحشت [illegible] میشود. اما آن‌ورنون دختر جوانی [illegible] وی خود را صرف [illegible] و کار در [illegible] خبر [illegible] میدهد و [illegible] کار [illegible] خانه [illegible] آن [illegible] [illegible] بیچاره [illegible] دختر [illegible]

بیچاره را در خانه می‌بیند خود را برای «استقبال [illegible]» آماده میکند، چیزی نمیگذرد که جوانک دل بدختر می‌بندد و میخواهد بوصال او برسد [illegible] بهمین بهانه دختر بیچاره را از خانه بیرون میکند بدون آنکه آن‌ورنون اطلاعی از جریان داشته باشد.

دخترک کارهای شرافتمندانه دیگری از قبیل کار در مغازه وغیره دست میآورد، اما روزه، یک گرگ جامعه، ■ همواره مترصد دست یافتن بر چنین دختران بیکسی است، بکمک توطئه‌های بیشرمانه‌ای، دخترک را بسحر میسازد و آنگاه باتهدید و تطمیع، اورا بخود رام میکند

میدانیم که قبح هر عملی تا وقتیکه آن عمل ارتکاب نشده ادامه دارد دخترک یکبار با از جاده عفاف بیرون میگذارد. خیلی طبیعی است که پس از این یکبار، او راه کثیف فحشاء را برمیگزیند و ساکن خوابگاهها و کنار پیاده‌روها میشود

از طرف دیگر آن‌ورنون، پس از اطلاع از جریان، دربدر دنبال دخترک میگردد ■ اورا از غوطه وری در فساد نجات دهد. یک حادثه، در این باره بوی کمک میکند و وی موفق میشود که دختررا از ادامه این شغل کثیف بازداشته و در مطب نامزدش که دکتر جوانی است باو کاری دهد. اما این بار دکتر و دخترک بعشق هم دچار میشوند و درواقع آن‌ورنون باکاری که خود کرده، باعث آن شده که نامزدش از چنگش بدررود.

آن‌ورنون که از این جریان عصبانی میشود تصمیم میگیرد که دخترك را از مطب اخراج کند ولی درهمین موقع تلفنی باو میشود. موقعی که او تلفن را بر میدارد دختراك در کنار او ایستاده مجبتی که درپای تلفن میشود ناگهان دخترك را بر آن میدارد که ...

داستانی که در بالا ملاحظه فرمودید خلاصه‌ای از سناریوی فیلم «کنار پیاده‌رو» است که توسط لئونید موگی، کارگردان مشهور فرانسوی تهیه شده و ممکن است تا اواخر این‌هفته در سینمای مولن‌روژ بروی پرده بیاید.

لئونید موگی یکی از آن کارگردانانی‌ست که وقتی تصمیم ساختن یک فیلم جدید میگیرد که بخواهند نظر و ... را مطرح کرده واستدلالات خود را در مورد آن بکرسی نشانند. این مسئله باعث شده که لئونید موگی نه یك استاد سینمای مطلق، بلکه یك استاد سینمای تربیتی و فرهنگی شناخته شود زیرا اکثر فیلمهای او مسائل مبتلا به عمومی را درچنین زمینه‌هائی مورد بحث قرار میدهند.

فیلمهای موگی غالبا جنبه‌های شدید انتقادی درخود دارد و این نیست مگر بعلت شجاعت قابل تحسین که وی درحمله به قواعد و سنن غلط وشرایط پوسیده اجتماعی از خودنشان میدهد. برای لئونید موگی، فیلمی که نخواهد مسئله‌ای را مطرح نموده و نتیجه قاطعی از آن استخراج کند، دارای کمترین ارزشی نیست.

دو فیلم مهم موگی عبارتند از «کودکان عشق» و «فردا خیلی دیر است» که هردوی آنها سروصدای فراوانی بپا کردند و مورد بحث واقع شدند ـ فیلم «فردا خیلی دیر است» را ما در تهران دیدیم که

بذله گوها دیوانه‌اند!

همانطوریکه میدانید؛ بنازکی (بابچوپ) کمدین شهیر ودماغ دراز آمریکائی ... (فرناندل) مسخره معروف صورت اسبی فرانسوی ... درفیلمی بنام «تعطیلات پاریسی» شرکت نموده‌اند و خدا میداند آقای (دماغ بریده) چگونه با (... شماره یك بشر) دلقک بازی درآورده است! مسلم استکه چون خانم شریفه (مارتین کارول) ... در این فیلم شرکت دارد؛ این دو هنرمند شوخ ... بدست آوردن دل این خانم از هیچ مسخره بازی و خوشمزگی دست بر نداشته‌اند! ...

پاسخ گو

آقای مجید اسکوئی

عکس (برت لنکستر) را بنا به تقاضای شما و اکثر خوانندگان در همین شماره روی جلد چاپ نمودیم

دوشیزه مهین جعفری

۱- نام پاسخگوی مجله (پاسخ گو) میباشد.

۲- عالیترین فیلمهای (ویلیام وایلر) کارگردان بزرگ، بهترین سالهای زندگانی ما- وارثه- شبی دوره و تقریبا همه آثارش میباشند

۳-(مونتگمری کلیفت) بزودی باتفاق (مارلون براندو) در فیلم (شیرهای جوان) شرکت خواهد نمود

آقای حسین خضرائی

۱- ازلحاظ سینما بهترین خواننده سال گذشته (دوریس دی) بود

۲- وبخاطر آوازی که سرا- سرا، باین عنوان نائل آمد ناگفته نماند که آهنگ و آواز مزبور در فیلم (مردیکه زیاد میدانست) به عنوان بهترین آواز سال اسکار گرفت.

۳- اطلاع دقیقی دراین مورد نداریم گویا ۳۴ سال داشته باشد.

دوشیزه مینا هاشمی نژاد

۱- فیلم (غرش طوفان) معلوم نیست چه موقعی در تهران نمایش داده شود زیرا تا آنجائیکه اطلاع داریم هنوز خریداری نشده است

عکس هنرپیشگان محبوب شما رابزودی چاپ خواهیم نمود.

آقای اسدالله ابوطالب حسینی

۱- فارلی گرینجر بندرت در جشنها شرکت می نماید.

۲- فیلم «ناپولا» قبلا در دوسری درسینمای متروپل نمایش داده شده است.

۳- ستاره محبوب شما فعلا استراحت می کند!

آقای منوچهر آبتین

مجله (موشن پیکچر هرالد) مخصوص صاحبان سینماها و نمایندگان ومعلات سینمائی است و بطور (تک فروشی) فروخته نمیشود.

آقای مجید جواد پور

بنا بخواهش شما وجمع کثیری ازخوانندگان عکس (برت لنکستر) را درهمین شماره چاپ نمودیم

آقای عبدالحسین فرسیاد (آبادان)

۱- ازلطف شما ممنونیم

۲- چارلتون هستن

۳- درجستجوی پناهگاه

آقای ماردیروس ماردیروسیان

۱- وقتش گذشته بود.

۲- «مریلین مونرو» در کمپانی پارامونت تاکنون درفیلمی شرکت نکرده است

۳- سینمای رویال فعلا بنمایش فیلمهای کمپانی فوکس مشغول است.

آقای حسن عظیمی

اولا سوفیالورن وجینالولو- بریجیدا آمریکائی نیستند وایتالیائی تشریف دارند. ثانیاً آدرس دقیق آنها را در دسترس نداریم ولی دوستتان می تواند بآدرس (کمپانی فوکس) نامه خود را ارسال دارد.

آقای آرش دوایت

۱- ویلیام وایلر وروبن مامولیان دو نفر هستند وهردو هم کارگردان فیلمهای هالیوود بشمار میروند.

۲- مادام بوواری اثر (ویلیام وایلر) نبود.

آقای شاهین فرهت

سینمای رویال دوباره با کمپانی فوکس قراردادی منعقد نموده ومنبعد محصولات فوکس را (همچنین فیلم- هائیکه شما نامبرده اید) نمایش خواهد داد.

آقای منوچهر کاظمی شجاعی

۱- فیلم مزبور توسط سینمای رویال بمعرض نمایش گذاشته خواهد شد.

۲- البته (جان وین) رل اول فیلم (خرابکاران) را بعهده داشت.

۳- از ۲۵ الی ۳۰ فیلم درسال تجاوز نمیکند.

آقای کیومرث سلطانی

خواننده عزیز ... ازلطفی که دراین مدت باین مجله داشته‌اید سپاسگذاریم و امیدواریم درآینده موفق شویم مجله را زیباتر وجامعتر منتشر نمائیم.

چاپ عکس دراین صفحه بواسطه کمی جا وزیادی نامه‌ها تعطیل شدو لذا ازچاپ عکس کوچک (روفیا) دراین صفحه معذورمان دارید. انتشار مجله درهرهفته وقت ما را بکلی گرفته است وفرصت این که بتوانیم جزوه منتشر نمائیم وجود ندارد امیدواریم کتابخانه‌های تهران هرچه زودتر ترجمه (شرق بهشت) رامنتشر نمایند واینک پاسخ سئوالات شما:

۱- (بوسه خونین) محصول کمپانی یونایتدآرتیستس میباشد.

۲- ازجیمزدین فیلمهای شورش بیدلیل وغول درپائیزامسال نمایش داده خواهد شد

۳- خبر نمیتوان هنرمندترین و بزرگترین هنرپیشه آمریکائی را تعیین کرد!

آقای محمدعلی قریب

۱- فیلم لغزش توسط سینمای همای نمایش داده شد.

۲- این فیلمهارا شاید سینمای رویال نمایش دهد.

۳- ازآدرس پدری ستاره مزبوراطلاعی نداریم!

آقای ژی‌ژیک ریغماسیان

فعلا موقعیت اجازه چاپ عکس- های هنرپیشگان محبوب شما را نمیدهد؛ منتظر آینده باشید

آقای ع- علیم مروستی

۱- عکس هنرپیشگان محبوب شما را چاپ خواهیم نمود.

۲- نوشته‌اید (آیا مونتگمری کلیفت مقطوع النسل شده!) والله اطلاع دقیقی دراینمورد دردسترسمان نیست.

۳- الیزابت تیلور نیز باعث مرگ (جیمزدین) نشده است!

آقای ژیرایر پیطر (آبادان)

بطور خصوصی جواب دارند

آقای اسماعیل عاطفی و خانواده!

خواننده عزیز از نامه شما چنین فهمیده میشود که علاقه‌ای بتکنیک وتاریخچه سینما ندارید بلکه ازاخبار وستاره‌های زیبا ودوست داشتنی خوشتان میآید ما هم حرفی نداریم برای شما وطرفداران، مطالب سبکی هرهفته درمجله چاپ میشود دراینجا باید متذکر شد که عده کثیری ازخوانندگان ما مطالب «سبکی» دوست دارند آنها بیشتر میخواهند باصول وتکنیک سینما آشنائی پیدا نمایند وچندان مایل نیستند زندگانی خصوصی وباتاریخ تولد فلان و بهمان ستاره بی‌هنرو با هنر را حفظ نمایند.

درهرصورت برای شما مطالب مورد لزومتان؛ چاپ میشود بگذارید دیگران نیزازمطالب مورد علاقه خود استفاده نمایند

دوشیزه گیتی باشی زاده وعده‌ای دیگر

عکسهای ویکتور ماتیور و مونتگمری کلیفت را در گذشته روی جلد مجله چاپ نمودیم وحتی چند شماره قبل عکس ویکتورماتیور را درصفحه مخصوص (عکس هفته) چاپ کردیم.

کلن فورد را نیز در آینده روی جلد مجله زیارت خواهید نمود

در پایان ازلطف شما متشکریم

دوشیزگان مینو امیراحمدی سیلوا آرامیان

۱- عکس جینالولو بریجیدا را بارها روی جلد چاپ نموده‌ایم

۲- ازالیزابت تیلور فیلمهای (بروملزیبا) درسینمای ایران و شاهکار جورج استیونس (غول) در سینمای رکس موجود است.

۳- اگرجا شد چاپ خواهیم نمود!

آقای عباس طالبی

۱- چاپ مجدد عکس (راک هادسن) در روی جلد مجله فعلا مقدور نیست.

۲- ناصر ملک مطیعی (ستوان) نیست

۳- فعلا در فیلمی شرکت ندارد والبته درآینده درفیلمهای فارسی شرکت خواهد نمود

(تونی پرکینز) دو سال پیش تقاضای بازی در فیلم میکرد

ولی اکنون تقاضای شرکت در فیلمها را رد میکند!

پرویز نوری

«تونی پرکینز» آکتور جوانی که ظرف یکی دو سال اخیر توجه محافل سینمائی جهان را متوجه خود ساخته و با هنرمندی عجیب خود منتقدین و تماشاچیان را مبهوت و متحیر نموده است اگر بزرگترین چهره تازه هالیوود و عالم سینما نباشد، لااقل یکی از آکتورهائیست که قدرت و توانائی دارد در آینده نزدیکی صحنه سینما را باختیار خویش درآورد.

با فیلم «تشویق دوستانه» از (ویلیام وایلر)، نشان داد که یک هنرپیشه میتواند بدون اینکه برای دختران جوان و بوالهوس «راک‌اندرول» برقصد، تنها با استعداد و لیاقت در ایفای یک نقش برجسته و مهم، مورد توجه عموم واقع گردد و نامش درمدت کوتاهی همردیف هنرپیشگان بزرگ و نامی هالیوود ذکر شود؛ دراین فیلم باوجودیکه دو هنرپیشه قدیمی و کهنه کار سینما (گاری کوپر) و (دوروتی مک‌گوایر) شرکت داشتند معهذا تمامی موفقیت آن نصیب (پرکینز) جوان گردید... حتی یکی از منتقدین زبردست نوشت «تونی پرکینز، یک گاری کوپر جوان با بخت سینماست!...»

فیلمهائی که بعد از پایان نمایش «تشویق دوستانه» از (پرکینز) تهیه کرده‌اند، خود نشان میدهد که یک آکتور جدید معمولی نیست. با هنرپیشه مشهور و هنرمند (جک پالانس) در بهترین فیلم وسترن سال «مرد تنها» (کارل مالدن) آکتور زبردست تئاتر و سینما درفیلم عالی «ترس سودار میشود». در کمپانی پارامونت با (هنری فاندا) هنرمند شهیر در فیلم فراموش نشدنی «ستاره حلبی» (که تهیه‌اش باتمام رسیده ولی هنوز نمایش نداده‌اند)، ونیز آثار برجسته‌ای مثل «هوس زیردرختان نارون» باستاره دلفریب «سوفیالورن»، «کبریت‌ساز» با

[illegible]

- هر سه فیلمیکه از من نمایش داده‌اند (پرکینز) درفیلم که بازی میکند، حتی اخلاق ورفتارش هم بکلی تغییر مینماید. خودش همیشه میگوید «من درهر سن و سالی که باشم باز هیجده یا نوزده

سال [illegible]

- مرا «گاری کوپر جوان» «مارلون براندوی جوان» هم لقب داده‌اند... ولی خودم میخواهم که علاقمندانم مرا بعنوان یک «تونی پرکینز جوان» بشناسند.

(پرکینز) وقتیکه چهارساله بود پدرش را ازدست داد، ناگفته نماند که پدرش یکی از هنرپیشگان معروف آن زمان بود و بدیهی است

[illegible]

... دست داده بود

(پرکینز) همانطور که گذشت کار خودرا از بازی در نمایشات ساده شروع کرد، پس از کسب موفقیت درتئاتر نزد (الیا کازان) کارگردان عالیقدر رفت و از وی تقاضا نمود که رلی ازفیلم جدیدش بنام «شرق بهشت» را باو واگذار کند (کازان) باو گفت «این رل مطابق با استعداد و هنر تو نیست و بهتر است در پرورش نمایشنامه «چای و اندکی لطف» را برای صحنه آوری» درهمین زمان بود که (وایلر) فیلم «تشویق دوستانه» را در دست تهیه گرفت و همینکه (پرکینز) را در پیس «چای و اندکی لطف» با (دبورا کار) و (جون فونتین) مشاهده کرد، بی‌درنگ او را تحت استخدام خویش درآورد

ازاو پرسیدند:

- قبل از بازی در «تشویق دوستانه» درفیلم دیگری هم بازی کرده بودید؟ جواب داد

(بقیه درصفحه ۳٤)

]

در شهرستانها چه میگذرد؟

رشت

افتتاح سینمای سیروس رشت

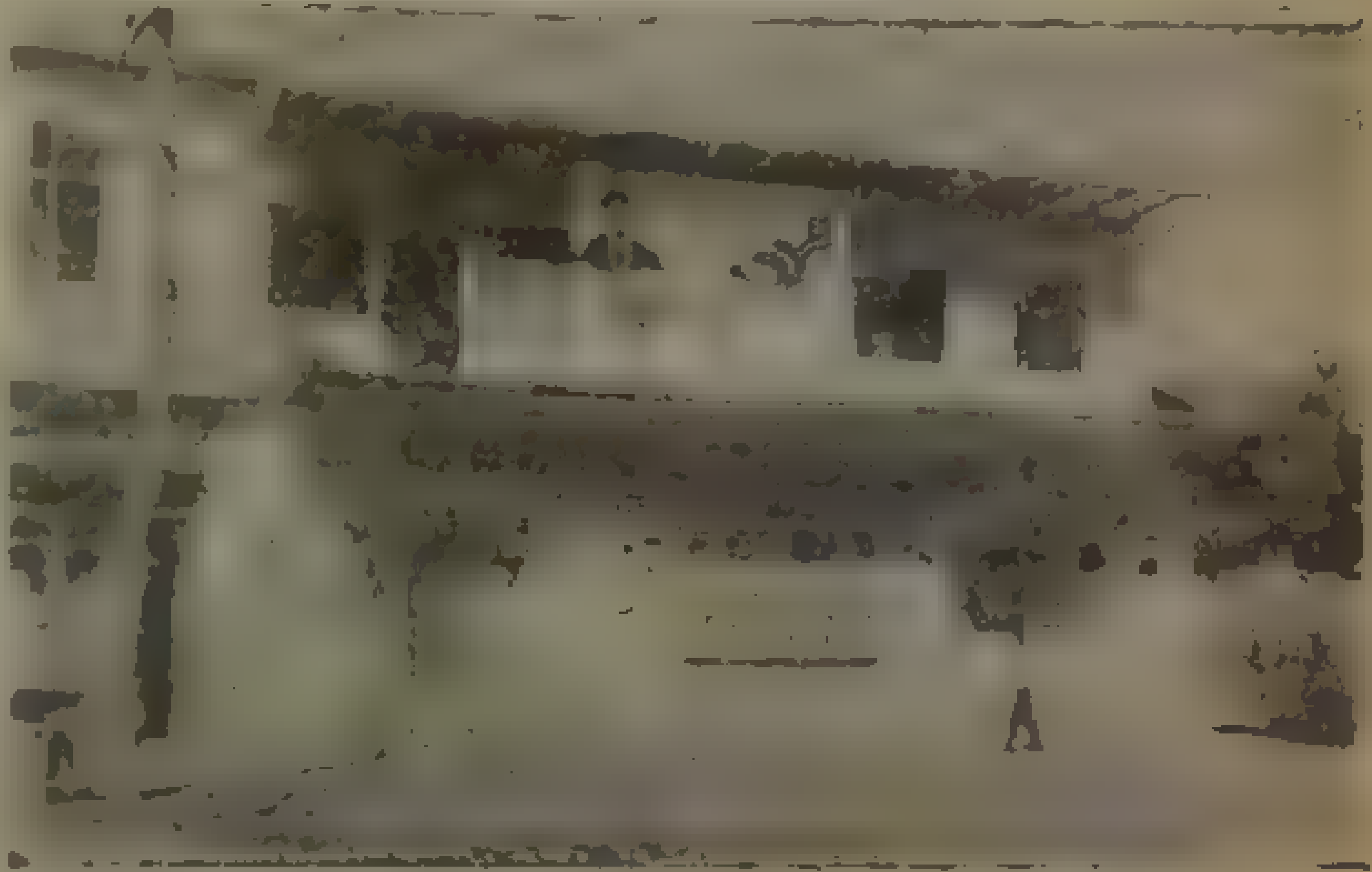

سینمای سیروس رشت که چندی قبل بعلت حریق از کار افتاده بود سعی و کوشش کارکنانش دو باره آماده و از روز جمعه ۳۱ خرداد با فیلم دوبله بفارسی مرد روز که درضمن اولین فیلم نورمن است که دررشت نمایش داده میشود افتتاح وشروع بفعالیت کرده است اگر چه هنوز کار طبقه فوقانی سینما را که مانده ولی چون سینما زود آماده و در اختیار اهالی قرار گرفت با استقبال مواجه شد سالن سینما بوضع زیبا و سقف و بالکن بطرز ابتکاری رنگ آمیزی شده و حالت سینما کاملا با سابق فرق کرده وهمچنین دو دستگاه تهویه در دو طرف سالن نصب شده البته با ازبین رفتن دریچه‌ها که در سالن سابق سینما وجود داشت دو دودستگاه تهویه با نبودن وسیله دیگر کم است ونصب پرده نیز خوب انجام نشده علاوه براینکه از پرده سابق کوچکتر میباشد عوض اینکه فرورفته باشد برجسته است ومعلوم نیست چرا زیبائی سالن را برپرده وحوالی آن ترجیح داده‌اند وچند فیلم سینماسکوپ مثل دزیره و سه سکه درچشمه ومردان رشید نیزدر دبترین برنامه های آینده دیده میشد که امیدواریم بانمایش آنها و فیلمهای خوب دیگر درآینده سینما سیروس یکی از بهترین سینماهای رشت باشدومحبوبیت خود را از حیث نمایش فیلمهای خوب حفظ کند

فرید حسین پور

وضع فیلم در شهرستانها

سینما مرکزی وایران (مسجد سلیمان)

فیلم «جو بال» از روز ۱۸ تا ۱۹ خرداد نمایش داده شد و استقبال ازاین فیلم تقریبا خوب و کارکرد آن متوسط بوده است

سینما نفتون (مسجد سلیمان)

فیلم «تنگه‌های تنگه خیبر» باشراک «بیچارایکان» از روز ۲۹ خرداد تا اول تیر نمایش داده شد کار کرد واستقبال از آن متوسط بود

ریشارد موسوی

سینما اتحاد (خرمشهر)

فیلم آمریکائی «زداک خان» رنگی وسینماسکوپ مدت ۶ شب کار کرد واستقبال از آن بسیار بسیار عالی بود

سینما میهن (خرمشهر)

فیلم دیوانه هندی دوبله فارسی مدت ۶ شب کار کرد واستقبال از آن بسیار خوب بود.

محمد صادق رفیعیان

سینما مایاک (رشت)

فیلم هندی دیوانه از ۲۳ خرداد تا سوم تیر روی پرده بود و استقبال اهالی از فیلم مزبور و کارکرد آن متوسط ومعمولی بوده است.

فرید حسین پور

سینما ایران (بندر پهلوی)

فیلم عربی «قالیچه فرعون» ازتاریخ ۲۵ الی ۳۰ خرداد نمایش داده شد و کارکرد آن قابل توجه بود.

سینما بلوار (بندر پهلوی)

فیلم «معشوقه پاریس» ازتاریخ ۲۷ الی ۲۹ خرداد بنمایش گذارده شد وفروش آن رضایتبخش بود .

م.خ.هندخاله‌ای

سینما فردوسی (سنندج)

فیلم آهنگ هندوستان بمعرض نمایش گذارده شد ومدت ۳ روز کارکرد وکارکرد آن متوسط واستقبال از آن خوب بود.

ناصر ذکری

سینما سعدی (اصفهان)

فیلم کوبیا مرد دریا سینماسکوپ را از ۲۳ خرداد الی ۲ تیر نمایش داد وکارکرد آن بسیار خوب بود .

سینما تاج (اصفهان)

فیلم «نیاگارا» را مدت ۳ شب نمایش داد وکارکرد آن متاسفانه متوسط بود.

حسن بیات

مشهد

افتتاح سالنهای تابستانی سینماهای مشهد

مدتی است که سینماهای مشهد سالنهای تابستانی را آماده نمایش کرده‌اند

درمشهد برخلاف تهران فصل سینمائی بخصوصی ندارد زیرا ممکن نیست درفصل تابستان برنامه‌های جالبتری نسبت بفصل سینمائی نمایش دهند .

بدین جهت امسال برنامه‌های اختصاصی فصل تابستان بیشتر جالب وخوب است سینما شهرداد با فیلم ودا کروز افتتاح شد واز آن استقبال خوبی بعمل آمد .

فیلمهای واکسی - آه - جبل مزرعه - معشوقه شاهبر طلائی برنامه های آینده این سینما میباشند فضای تابستانی این سینما نسبت بتمام سینماهای شهر باشکوه‌تر و بهتر است

سینما کریستال با فیلم کمدی لاله چه‌ها افتتاح شد وهنوز با استقبال گرم مردم مواجه میباشد برنامه آینده این سینما فیلم سینماسکوپ بند باز است .

فضای تابستانی این سینما نیز نسبت بسالهای قبل خیلی بهتر شده است

سینمای ایران با فیلم **هلو قهرمان ترویا** تکراری افتتاح شد فیلمهای آینده این سینما عبارتند از: خون برادر - شدواز دهم - مردیکه رنج میبرد ولحظه یاس و فیلم کمدی مرد روز

سینما فردوسی بافیلم روی

بقیه درصفحه ۳۰

برنامه آینده

سالن مجلل سینما رویال

مجهز بدستگاه تهویه هوا

مهیج‌ترین و هیجانی‌ترین محصول ۱۹۵۶ کمپانی کلمبیا ... شاهکار باعظمت جنگی

شیاطین دریا

فیلمی که در میان محصولات مشابه قوی‌ترین و بهترین آنها بشمار رفته است

ONE OF THE MOST ASTOUNDING TRUE ADVENTURES EVER PRINTED IN THE ENTIRE 34-YEAR HISTORY OF THE READER'S DIGEST!

COLUMBIA PICTURES presents A WARWICK Production

Jose FERRER · Trevor HOWARD

COCKLESHELL HEROES

The Never-Before-Told Story of the Top-Secret Guys!

CINEMASCOPE Color by TECHNICOLOR

Screenplay by BRYAN FORBES and RICHARD MAIBAUM

Executive Producers IRVING ALLEN and ALBERT R. BROCCOLI · Directed by JOSE FERRER

باشتراک: خوزه فرر: که ضمناً کارگردانی فیلم را نیز انجام داده است

سینماسکوپ ترور هوارد: هنرمند معروف سینمای انگلستان رنگی

تنظیم کننده: کیومرث دیانی

خاطره‌ها
از شما و هنرپیشگان

خوانندگان عزیز

برای تنظیم این صفحه احتیاج بهمکاری شما داریم ، چنانچه رویداد جالبی که مربوط بکار فیلم وسینما باشد بخاطر دارید برای ما بوسیله نامه خودتان دراین صفحه درج گردد . ما نیز بدو نفر از کسانیکه مطالب ارسالیشان بهتر از دیگران تشخیص داده شود ، جایزه شش ماهه اشتراک مجله تقدیم میکنیم

ضمناً از عموم هنرمندان، نویسندگان و مدیران سینما
تقاضا داریم که بافرستادن خاطره‌ای از دریای بیکران خاطرات خود در تنظیم این صفحه ... همکاری کنند

جواب دندان‌شکن

روزی درضیافتی که اغلب هنرپیشگان حضور داشتند، بین (مارلون براندو) و (جیمزدین) مقید گفتگوئی در گرفت . همه میدانیم که (مارلون براندو) از وجود رقیب سرسختی چون (جیمزدین) دلخوشی نداشت . پس دراین محفل تصمیم گرفت بهر نحوی شده (جیمزدین) را مفتضح کند. ازاینرو گفت « آقای جیمزدین ... » با آن پدری که داری این‌همه ژست‌وافاده بشما نمیآید • بمن نگاه کن که باداشتن چنان پدر ثروتمندی هیچگونه تکبری ندارم» (جیمزدین) جواب داد «مثلا پدرت چی‌چی داره » (مارلون) ادامه‌داد «هیچ .. ! فقط یکطویله دارد که اگر گاوی‌ازاینطرفش آهنگ‌طرف دیگر کند گوساله‌ای میزاید که خودآن گوساله‌نیز یکدفعه تولید مثل‌می کند !! ». «جیمزدین » هم بیش از این معطل نکرده گفت « این‌درست، امابدر من باوجودقلت ثروت، چوبی‌دارد که‌هنگام ابربودن هوابوسیله آن ابرهارا پراکنده میکند!» «مارلون براندو» که وضع‌خود راخوب احساس میکرد جواب داد «دروغ نگو که این‌غیرقابل قبول‌است! بفرض هم که قبول کنیم . آخر این چوب جایش کجاست ؟ ». جیمزدین هم که منتظرچنین سئوالی بود باسخ داد « همان‌این شد حرفی ، بله قربان ، جایش در طویله پدر توست . »

محسن منصوری

«باشتراك» هنرمند بین‌المللی !

یکروز که مهمان یکی ازمدیران سینماها بودم،مستخدم آمد و گفت «آقایکنفر که خودش‌را منقد میداند با شما کار دارد - دوستم جواب‌داد ، بگوئید داخل‌شود: هنوز چند دقیقه‌ای نگذشته بود که جوانی تقریبا آراسته واردشد و خودش را منقد روزنامه‌ای معرفی کرد واضافه نمود که میخواهد فیلم تماشا کند . دوستم زنگی زد و مستخدم گفت که ایشان‌را به‌لژ راهنمائی کند. پس‌از رفتن وی آقای مدیر گفت .تابحال همه منقدین‌رادیده بودم بجزاین‌یکی،اصلا یارو بلد نبود حرف‌بزنه،نکنه خودش‌رو جا زده‌باشه؟! چندی نپائید که این موضوع ازیادمان رفت وفیلم تمام‌شده بود که دوباره در اطاق مدیر بصدا درآمد و آقای منقد واردشد: ببخشید آقا، یک‌عکس «بشتراك» بنده‌لطف کنید: دوستم فکری کرد و گفت: «بشتراك» که چه باشد ، منقدجواب‌داد. چطور آقاشما آرتیست فیلمتان را نمی‌شناسید . آقا «بشتراك» دیگه، آرتیست فیلم ...»!! آقای مدیر دوباره‌بفکر فرو رفته وسپس درحالیکه آقای‌منقدرا باادب ازاطاق‌وسینما بیرون میکرد بمن گفت « فهمیدی منظورش از « بشتراك » چیست ؟ » گفتم نه ، گفت«دراول‌فیلم که خوانده «باشتراك» خیال کرده باشتراك » اسم آرتیست فیلمهاست ...»

ابوالقاسم کاظمی

«پروانه» خاطره می‌گوید

دردفتر مجله نشسته بودیم که «پروانه» ضمختر ین جنس مجله ازدرواردشد . مخلص که برای بر کردن‌صفحه «خاطره‌ها» در تنگی قافیه‌گیر کرده بودم . بلا فاصله یقه‌ایشان‌را چسبیدم که زودباش یك خاطره از عالم سینمائیت بگو . ایشان هم مثل کسی که منتظر چنین پیش‌آمدی باشد بلافاصله گفت «یکی ازدوستان بنده که تازه مشمول شده‌بود میخواست بهروسیله که‌شده‌ورقه معافی ازخدمت‌را دریافت‌دارد، پس‌ازفکرزیاد بالاخره تصمیم گرفت که خودرا بمریضی چشم و نزدیك‌بینی بزند پیش دکتر دل‌خودرا طوری خوب بازی کرد که وی‌حتم نمود دوست‌من‌راست میگوید، و نزدیك‌بین‌است .

مقارن‌همین ایام شبی باجناب دوستان بسینمارفتیم. مشغول تماشای فیلم بودیم که ناگاه دوستم مثل‌دیوانه‌ها آهسته بمن گفت: ای‌وای، «بری»!!! مرد پهلوئی من همان‌دکتریست که میخواهد بمن‌ورقه معافی بدهد . تو حرف‌نزن تامن یك‌کاری بکنم : بعدرویش را بطرف دکتر کرد و گفت ببخشید آقا اینجا به‌نشسته‌ایم‌اتوبوس خط چنده ...؟»

یا برحق (خاطره‌ای تلخ)

اراك،شهرستان‌ماهم سینمائی دارد که راستی قربان‌سینماو‌تمدن تهران . باری چه‌درد سرتان بدهم روزی یك‌فیلم ... در این سینما نمایش میدادند ... از سینما خوشم میآید هوس دیدن این‌فیلم بسرم زد ... بالاخره به سینما رفتم . اواسط فیلم جریان چنین بود که پسری در بالای کوه‌گیر کرده‌و آرتیست فیلم برای نجات دادن‌وی ازکوه بزحمت بالامیرفت گاهی وقتی چند قدم میرفت سر میخورد وچندقدمی بپائین باز میگشت، بله‌منظور اینست که‌صحنه مهیج بود. دراینموقع دیدم مردی که بهلوی دست من نشسته (مدیرسینما) درحالیکه دودستش بآسمان‌وچشم بپرده‌دوخته شده‌میگوید «یا برحق .. ای‌خدا .. نجاتش‌بده . یا برحق!!!»

ازاراك : حسین‌عیوقی

دختر فهمیده

«جین‌راسل» ستاره واقرب... پس ازایفای رل در اولین‌فیلم خود،شب که بخانه آمدخواست مثل معمول دراطاق مادرش بخوابد ، ولی پس‌از ورود باطاق‌شنید که مادرش میگوید «جین‌امشب، بایددر اطاق دیگری استراحت کنی!» «جین» درحالیکه حیرت کرده‌بود گفت «چرا ؟» مادر جواب‌داد « آخرتودیگر دختر بزرگی شده‌ای و ماشاالله میتوانی تنهابخوابی ...» جین‌هم معطل نکرده گفت «راستی راستی عجب حرفهائی میزنی ، چرا پدرم‌که از من بزرگتر است دراطاق‌دیگری نمیخوابد...؟!»

دوشیزه مینو امیر احمدی

این شاهکار بزرگ قهرمانی و پرحادثه بعد از موفقیت های بی سابقه ای در

باغچه خوش آب وهوای سینما ایران

بعرض نمایش گذارده شده است

ماتادور قهرمان

بزرگترین فیلم
سینماسکوپ و
تمام رنگی چند
سال اخیر هالیوود
که سینمای ایران
بمشتریان محترم
خود دیدن آنرا
توصیه میکند

باشرکت هنرمندان با افتخار
عالم سینما

آنتونی اکوئین

برنده جایزه اسکار

مورین اوهارا

ستاره بی رقیب فیلمهای پرماجری
(ماتادور قهرمان) در باغچه
سینما ایران خاطره ای
فراموش نشدنی ازخود
بجای خواهد گذارد

ترجمه: جهانگیر افشاری

مرد عوضی
The Wrong Man

— [illegible] بطوریکه کاملاً محسوس بود اشاره‌ای کرد و گفت:

— چرا همینطور است

— این دخترها شما را میشناسند آنها شما را هم دو بار و هم در اینجا دیده‌اند، انکار فایده ای ندارد. باید اعتراف کنید که این شما بوده‌اید که اموال آن موسسه را دستبرد زده‌اید. اگر خودتان بزبان خودتان اعتراف نمائید بهتر است.

اطاق دور سر «مانی» شروع بچرخیدن کرد. بنظرش رسید که کف اطاق بلند میشود و سقف میچرخد و دو مرتبه بجای اول برمیگردد. یک لحظه طول کشید تا «مانی» توانست موقعیتش را درک کند. فکر می‌کرد که دارد دیوانه میشود. در حالیکه نفس نفس میزد گفت:

— نه... من اینکار را نکرده‌ام.

— شما امروز عصر در آن موسسه بوده‌اید؟

— بله... انکار نمی کنم آنجا رفته بودم که مقداری پول قرض بگیرم. گفتم که زنم جهت معالجه دندانش بپول احتیاج زیادی داشت و من چاره‌ای نداشتم جز اینکه از کسی یا از موسسه‌ای تقاضای وام بکنم!

مرد بالاپوش بلند نگاهی به سراپای «مانی» افکند و در حالیکه آثار شک و تردید بخوبی از قیافه‌اش خوانده میشد گفت:

— [illegible] داستان دیگری [illegible] اختراع [illegible] این حرفها را خیلی‌ها [illegible] جهت تبرئه کردن خودشان دروغهای مختلف [illegible] کرده‌اند!

— بخدا افسانه جعل نمی کنم تمامش حقیقت است. آخر بگوئید چگونه می‌توانم ثابت کنم که بی تقصیرم. چه میتوانم...

مامور تحقیقاتی دیگر به مابقی کلام «مانی» گوش نداد. پشتش را باو کرد و [illegible] گفت:

— با شاهدهائی که در مقابل داریم کاری نمی توانیم بکنیم جز اینکه این شخص را بزندان بیاندازیم.

بعد سرش [illegible] تکان داد. مثل این بود که از آهن ساخته شده و هیچ چیز بآن اثر ندارد. بمحض اینکه آخرین کلامش در فضا محو شد، دستی از عقب جلو آمد و برمچ دست «مانی» حلقه شد و او را بسمت جلو راند.

«مانی» دیگر حرفی نزد. مقاومتی هم نکرد. گذاشت هر کاری که میخواهند بکنند آبروی او را بر باد دهند. زن و فرزندانش را در انتظار بازگشتش بهلاکت برسانند. از دالانهای پیچ و خمی هدایتش کنند و در سردابی تاریک و مرطوب محبوسش نمایند. لکه بدنامی برویش بگذارند... و چه بسا که هرگز نتواند ثابت کند که او در این ماجری اصلاً گناهی نداشته و اشتباهی شده و او بدین ترتیب [illegible] خلاف خاطی دیگری را پرداخته.

بله... «مانی» دیگر کلامی بر زبان نیاورد. خودش را تسلیم سرنوشت نمود، و بعد هنگامی که میخواستند در سردابش بیاندازند، لحظه ای پاهایش را محکم روی زمین فشار داد و بدور خودش نظری افکند و گفت:

— آخر... من... من بزنم اطلاع نداده ام که چه بسرم آمده...

***

اما صبح روز بعد زن «مانی» در اطاق دادگاه حضور داشت. با آنکه جمع زیادی در تالار گرد آمده بودند و پیدا کردن شخص بخصوصی چندان کار ساده‌ای نبود؛ با این وصف «مانی» فوراً «روز» را باتفاق خواهرش «اولگا» و شوهر خواهرش «جن»، در میان سایرین پیدا کرد. در همان لحظه «روز» هم چشمش بمانی افتاد و با تندی از روی صندلیش بلند شد، لیکن «جن» فوراً بازوی او را چسبید و نگذاشت از جایش بلند شود.

[illegible]

— بله.

همین وقت قاضی سرش را بلند کرد و گفت:

— خوب. اما! حالا چگونه میخواهید از خودتان دفاع کنید؟

«مانی» دهان باز کرد که چیزی بگوید، لیکن وکیل‌مدافع مجال نداد و به تندی جلوی حرفش را برید و گفت:

— آقای قاضی! این مرد گناهی ندارد. استدعا می‌کنم جلسه محاکمه را تا دوم فوریه بتاخیر بیاندازید.

قاضی دستهایش را در هم فرو برد و جواب داد:

— بسیار خوب! جلسه تا روز دوم فوریه بتاخیر می‌افتد و متهم می‌تواند با ارائه وجه‌الضمانی بمبلغ هفت هزار و پانصد دلار موقتاً آزاد باشد.

با شنیدن این حرف نفس مانی شماره افتاد، و وکیل مدافع او نیز که دستپاچه و ناراحت شده بود بصدا در آمد و گفت:

— آقا! آیا ممکن نیست که قدری از میزان این مبلغ بکاهید؟ باید این نکته را در نظر داشته باشید که متهم هرگز پیش از این واقعه مرتکب خلافی

هنری فاندا . . . . . مانی
ورا مایلز . . . . • روز
ازمحصولات برادران وارنر. کارگردان آلفرد هیچکاک . تهیه کننده : آلفرد هیچکاک رهربرت کلمن . داستان از: ماکسول آندرسن .

[illegible]

[illegible] زن و بچه بوده [illegible]

[illegible]

[illegible] دادگاه [illegible]

[illegible] ایجابش بمنشد و [illegible] عالی جناب این مرد ساده و مصلح [illegible] پاکی است و مبلغ تعیین [illegible] کمترین میزانی است [illegible] می توان بعنوان وجه الضمان [illegible]

[illegible] پیشنهاد آقای وکیل مدافع را [illegible] تقلیل وجه الضمان [illegible] بپذیریم.

وکیل «مانی» سرش را پائین انداخت و دیگر اظهاری نکرد.

«مانی» درجایگاه متهمین سراپا ایستاده و گیج بود.

خیره‌خیره بساعت مقابلش می‌نگریست. یادش آمد وقتیکه واردسالن دادگاه میشد سه دقیقه بساعت ده مانده و اکنون هنوز آن سه دقیقه سپری نشده بود!...

جلسه دادگاه بهم خورد «مانی» را بسرعت از جایگاه خارج کردند بطوریکه حتی فرصت این‌را پیدانکرد که برگردد و زنش‌را که تبسم محزونی برلب داشت ببیند.

ازراهروهای متعدد میگذشت و بلافاصله دری پشت‌سرش بسته میشد. درحیاط دادگاه ماشینی انتظارش را میکشید. داخل ماشین مملو ازافرادی چون‌خود او بود. دوبدو روی نیمکتهای آن نشسته و بدستهایشان دستبند زده بودند.

«مانی» سرش را پائین انداخت ودید که دستبندی نیز بدور دست او حلقه شده. ازشدت شوم ورنجی که میکشید دیگر نتوانست سرش‌را بالا کند. بهمان حالت ماند. دردل باخود گفت:

[illegible]

[illegible] کرده و عدب داشته [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] چگونه [illegible] ابتدا [illegible] مبلغی [illegible] که وجه الضمان پرداخت شده و او [illegible] آزاد بشود.

[illegible] «رور» [illegible] دادگاه، وماشینشان [illegible] منتظر خروج «مانی» بودند. انتظار دیری نپائید و سرو کله مرد بینوا پیدا شد.

«رور» بدون اینکه کلامی برلب بیاورد، بازوانش‌رااز هم گشود و «مانی» را در آغوش گرفت «مانی» سرش را میان زلفهای زنش پنهان کرد و بالحنی محزون و معصومانه زمزمه کرد:

ـ آه... آزادشدم! امااین گذشته عجب‌شبی بود. اصلاسحر نمیشد.

«رور» ازشعف فریادزد:

ـ مانی!... مانی!... بیاسوار شویم وهرچه زودتر این زندان لعنتی‌را پشت‌سر بگذاریم.

***

حوالی غروب بود که از خواب بیدار شد. فکر میکرد آنچه که برایش اتفاق افتاده، درعالم خواب‌بوده لیکن همان لحظه«رور» وارد اطاق شد و گفت:

ـ «مانی» ! وکیلی برایت پیدا کرده وقرارملاقاتی نیز بااو گذاشته ام.

***

نام وکیل «مانی» ؟

مانی چشم بدهان رئیس دادگاه دوخته بود و بمحض اینکه‌ازمبلغ وجه‌الضمان آگاه شد،حس کرد که دیگر قادر نیست سراپا بایستد..

«او کرنر» بود. محل کارش در ویکتور مور و درست در پائین تر از بنگاه همکاریهای اجتماعی بود..

«مانی» وقتیکه پشت شیشه‌های یخ بسته دفتر وکیل مدافعش رسید، نگاهی بدرون انداخت. بدون اینکه بتواند اعصابش را کنترل کند، شروع بلرزیدن کرد «روز» بازویش‌را گرفت وسراپا نگاهش داشت تا بعد و باهمان وضع وارد اطاق شدند.

«او کرنر» بمحض مشاهده زن‌وشوهر روی صندلی بیم‌خیزی کرد و گفت:

ـ ازهمان لحظه‌ای که شما مرا بوکالت خودتان برگزیده‌اید؛ کمی تحقیقات بعمل آورده‌ام و باین نتیجه رسیده ام که حقایق همان است که شما خودتان در محضر دادگاه بزبان آورده‌اید بی‌جهت نگران نباشید. کارها بالاخره روبراه خواهد شد.

«رور» بصدای گرفته‌ای خطاب بوکیل مدافع گفت:

ـ آخر آقا هیچکس نیست که بخواهد قبول بکند که «مانی» بیگناه است. او اصلا روحش ازاین‌ماجری خبر ندارد.

«او کرنر» [illegible] آورد وجواب داد:

ـ بله؛ همین طور است. تمام اعضاء استورك کلاب بر عقیده‌دارند که «مانی» مقصر نیست و سرقت بوسیله کس دیگری انجام‌شده. بهرجهت من خودم باآقای «بی‌لین» [illegible] صحبت کرده‌ام [illegible] که‌های دیگری [illegible]

یك گانگستر ابدی

وصحنه‌های پرشوری که در «این فیلم بین او و «کلود یاکریهام» میگذشت در طول تاریخ سینمای آمریکا تاکنون کمتر نظیر داشته است

بعد از پایان جنگ بین‌الملل دوم کیفیت بازی «بوگارت» از نظر وسعت حدود و توانائی توسعه یافت در این اوان وسالهای پس از آن برجسته‌ترین نقش‌های او در دو فیلم عظیم «گنج بر باد رفته» و «ملکه افریقا» بوده ــ

«بوگارت» زیاد بهمکاران سینمائی وعلاقمندان خویش وقعی نمی نهاد . یکبار که او را از سرد شدن علاقه دوستدارانش ترسانده بودند بسادگی گفت «من چیزی باین مردم مدیون نیستم، آنها پول میدهند منهم در ازای پولشان برای آنها بازی می کنم . دیگر حسابی با هم نداریم »

«همفری» باهمه خلق وخوی تند و کم حوصله‌ایکه داشت در حین تهیه فیلم بسیار آرام ، ساکت و مطیع میشد ، خشم وهیجان ذاتی خویش را فرو میخورد و بار وحی مسلط و بی تأثر نقشهای گوناگون خود را باقدرتی قابل تحسین بانجام میرسانید؛ در عوض رفتار وی خارج از محیط سینما انتقام سکون وخودداری موقت او را کاملا بازمیستاند . یکبار وی دوزن بدنام را با خود بیك کاباره شبانه برد وسر وصدائی بسیار بپا کرد ، وقتی که از او برای این عمل توضیح خواستند جواب داد «مصاحبت این زنها برای من لذت بخش بود چونکه بر خلاف آکتریس های هالیوود همه‌اش از آخرین فیلم خودشان دم نمیزدند» .. این کلام ندای قلب «همفری بوگارت» بود این مرد می کوشید تا با اقدامات بظاهر ناپسند وخارج از رویه خویش حجابی راکه هالیوود میکوشد تا در زیر آن فریبها وفساد خود را بپوشاند ازهم پاره کند .

خصیصه بزرك وقابل توجه وجود «بوگارت» این بود که وی تمام وجود خود را وقف هنر و حرفه خویش نموده بود در این باره وی چنین گفت : «من از آن دسته هنرپیشگانی که میگویند ما آتور نیستیم و خود را ... های عادی میدانند نیستم ... اگر من امروز هنرپیشه نیستند پس چرا برای بازی در فیلم پول میگیرند؟ من شخصاً بحرفه خود احترام میگذارم» «بوگارت» درس بخصوصی برای هنرپیشگان جوان و تازه کار ارائه نمیداد، فقط عقیده داشت که «اگر آدم بتواند خودش را جای کاراکتری که در نقش او را ایفا میکند بگذارد، یعنی اگر بتواند احساسات همان کاراکتر را در خودش ایجاد کند آنوقت چهره انسان خود بخود مودار حالات وتغییرات خواهد بود . البته برای اینکار لازم است که انسان هنرپیشه باشد » . این هنرپیشه توانا برخلاف بسیاری از همکاران خود که گاه و بیگاه بسراغ تئاتر میشتابند هرگز سینما را رها نکرده بود . او درك نموده بود که بین بازی سینمائی و بازی تئاتری چه از نظر تکنیك وچه از لحاظ نحوه برخورد شخصی تفاوت بسیار موجود است بهمین دلیل او نیز مانند «اسپنسر تریسی» و «جیمز کاگنی» وسایر همکاران کهنه کار خویش همه وقت و کوشش خود را مصروف تسلط بریك فن ودرك ریزه کاریها وخصوصیات یك شعبه از هنر یعنی بازی در سینما نموده بود، نتیجه این امر آن شد که «همفری بوگارت» اکنون جزو افتخارات سینمای آمریکا و از جمله هنرپیشگان جاودان بشمار میرود

در طی چند سال اخیر نقشهای او در فیلمهائی از قبیل «سابرینا» ـ «کنتس پا برهنه» ـ «شورش در کشتی کین» ـ «ما فرشته بودیم» و «ساعات ناامیدی» دارای خصوصیات کاملا منفرد ومتفاوتی بود، او همهٔ این رلها را با آخرین حد توانائی خود، بنهایت درجه رضایت بخش وجالب ایفا کرده است ؛ زندگی او در داخل وخارج سینما با اتمام فیلم «آنها هرچه سخت‌تر زمین میخورند» بانجام رسید

خود او عقیده داشت که «من حرفه مشکلی بعهده داشتم که توانستم آنرا تقریباً خوب برگزار کنم» . برای بیان عظمت کار او لفظ «تقریباً خوب» مسلماً ناقص و نارساست ... کلام او ما فقط می توانیم بیافزائیم که «... اینهمه افتخار وقدرت هرگز با مرك «همفری بوگارت» از خاطره‌ها محو نخواهد شد

دو شب با سوفیا

... بس از چند لحظه که صحنه عوض میشود و نشان میدهد که کلئو باترای ثانی بنگهبان مخصوص شب که سبیل‌مردی خوشحال ولاقید است مهربان میشود ابرام بالبخندی حاجی رامخاطب ساخته می گوید .

ـ خوب ، وقتی عیالت کربه رو ول داد وتو خواستی آرومش کنی لابد عیالت بعدش مث این سوفیالره باهات مهربون میشه

ـ مگه این آرزو رو بگور ببریم واسهٔ اینکه بعد از گرفتن آبغوره مث برج زهرمار، پف میکنه وبیث گوشه‌ای میشینه تاما دهنمو مث درحجره‌مون قلف کنیم .

ـ خوش بحال تو که حالا به زنی داری باچند تا توله؛ حاجیتو بگو که قدرتی خدا به نومزدم (نامزد) ندارم و در اینموقع بازخاموشی میان آنان حکمفرمامی گردد ومحو تماشای قسمت بعدی فیلم می گردند تااینکه فیلم بپایان میرسد»

قسمت پنجم در موقع خروج از سالن سینما

ابرام خطاب بمخاطب خویش می گوید : آخرش مسکم بسکش رسید اما حاجیت تاقیامتم اگه کبرو بخواد بهش نمیرسه ، آخ بر پدر این دنیای بی‌معرفت و لاکردار لعنت که نه خودش بفا (وفا) داره نه این جنسای لطیفش !

نوشته : محمد طوفانی

افتتاح سالن‌های

بنام صحنه سیرك افتتاح شد و برنامه های آینده آن عبارتند از : آخرین باری که پارس را دیدم ـ پلکان آسمان و دره شاهان این سینما باوجوداینکه فیلمهایش اغلب خوب است ولی معلوم نیست بچه جهت نمیخواهد نواقص متعدد خود را رفع کند

دستگاه نمایش این سینما تقریبا ازکارافتاده است در حین نمایش فیلم اغلب اوقات فیلم تار میشود یا اینکه فیلم قطع میشود همچنین دستگاه ناطق آن بسیار ضعیف است و اغلب اوقات با صدای ناهنجار خود تماشاچیان را ناراحت میکند از مدیر محترم این سینما تقاضا میشود همانطوریکه سینما ایران را مجهز بدستگاه‌های نمایش جدید نموده‌اند درباره این سینما نیز فکری بکنند

سینماهای هما و متروپل هیچ یك سالن تابستانی ندارند و برنامه های آینده این سینماها نیز چیز قابل ذکری نمیباشند .

امین‌الله فخار

اصول کارگردانی

بطرف دوربین بیایند، موضوعات سایه خودشان پوشیده شده ونظر غیرمرئی بنظر میرسند ... سایه در دست داشتن رفلکتور برای تهیه (کلوزاپ) بهتر است که خورشید مستقیما بصورت بتابد اما در مورد فیلمبرداری (لانگ شات) عیب ممکن است که صحنه را بوسیله پرژکتورها وحتی چراغهای اسودیسو روشن نمائیم از آنجائیکه خورشید در آسمان در حال حرکت است بعضی از صحنه‌ها صبح و بعضی بعدازظهر فیلمبرداری میشوند و بالاخره عده‌ای میتوانند درهر زمانی فیلمبرداری شوند وهمچنین عوامل زیاد دیگری نیز موجود است که در فیلمبرداری خارجی موثر میباشد .

بوجود آوردن نور شب :

فراهم آوردن نور داخلی در شب یك مسئله تخصصی است که زیاد بکارگردان مربوط نبوده اما اجراء آن بایستی تحت شرائطی انجام پذیرد که کارگردان تااندازه‌ای از آن آگاه باشد .

صحنه‌ها میتوانند در اثناء ساعات طلوع یاغروب فیلمبرداری گردند . اما چنین روشنائی زمان عمل کمی را داراست . بنابراین این راه جز برای فیلمبرداری صحنه‌های کوتاه مورد استفاده قرار نمیگیرد . بعضی ازصحنه‌ها نیز ممکن است در شب فیلمبرداری گردند منتها با استفاده ازانوار مصنوعی ولی روشی که خیلی متداول است فیلمبرداری صحنه‌ها در نور مشعشع آفتاب است .

در اصطلاح ساده فیلمبرداری (روز بجای شب) هما نطوری که از اسمش پیداست فیلمبرداری در روز انجام میپذیرد وتنها فیلتر قرمز و نور کم میتواند صحنه مورد نظر (شب) را تهیه کند ـ نور خورشید تحت زاویه‌ای طرف راست سمت بمحور دوربین بموضوع میتابد . آسمان نیز بایستی آبی و بدون ابر و ... باشد . فیلتر قرمز آسمان آبی را به سیاه یا خاکستری تبدیل میکند و منظور ما عملی میگردد .

امشب

سینما پردیس

امشب

فیلم معروف محله نفرین شده

یك شانس بزرك — برای کسانیکه موفق به دیدن "این فیلم نگردیدند

یك شانس بزرك — برای آنهائیکه این فیلم را دیده‌اند و باز تقاضای دیدن آنرا داشتند

یك شانس بزرك — برای دوستداران رقص مامبو

یك شانس بزرك — برای علاقمندان به آهنگهای دلپذیر مکزیکی

یك شانس بزرك — برای کسانیکه بفیلمهای پراضطراب علاقمندند!

رودولفو آکوستا که در کتك زدن زنها شهرت جهانی دارد و نینون سویلا

که خدای مامبو مکزیك لقب گرفته در فیلم معروف محله نفرین شده

شیرین کاری میکنند

شروع ۱۰ و نیم صبح ۲ـ۴ و ربع ۶ و نیم و هشت و سه ربع بعد از ظهر

مسابقات ستاره سینما

معلومات سینمائی خود را بیازمائید

۱- فیلم «سرقت بزرگ در راه آهن» درچه سالی تهیه شد؟

۲- نام دو فیلمی که از «فرانکو انترلینگی» هنرپیشه ایتالیائی در تهران نمایش دادند چیست؟

۳- کدام هنرپیشه رل مقابل «جیمز کاگنی» را درفیلم «یانکی دودل دندی» بعهده داشت؟

۴- «استوارت گرینجر» در ۴ فیلم باتفاق این ستارگان «سید شاریس»، «... ودبورا کار»، «جین سیموز» و «ریتاهیورث» شرکت نمود آیا نام آن ۴ فیلم را میدانید؟

۵- هنرپیشه فیلم «دوازده ساعت در آسمان» چه نام دارد؟

(پاسخ در شماره آینده)

برندگان مسابقه (یک مسابقه جدید) (شماره ۱۱۴)

۱- جواد تربتی (تهران)

۲- حسام لنگرودی (رشت)

۴- دوشیزه شیرین مهابادی (رضائیه)

پاسخ صحیح

۱- سوزان استراسبرگ

۲- الزامارتینلی

۳- جین هیود ۴- آنیتا اکبرگ

جدول دو کس

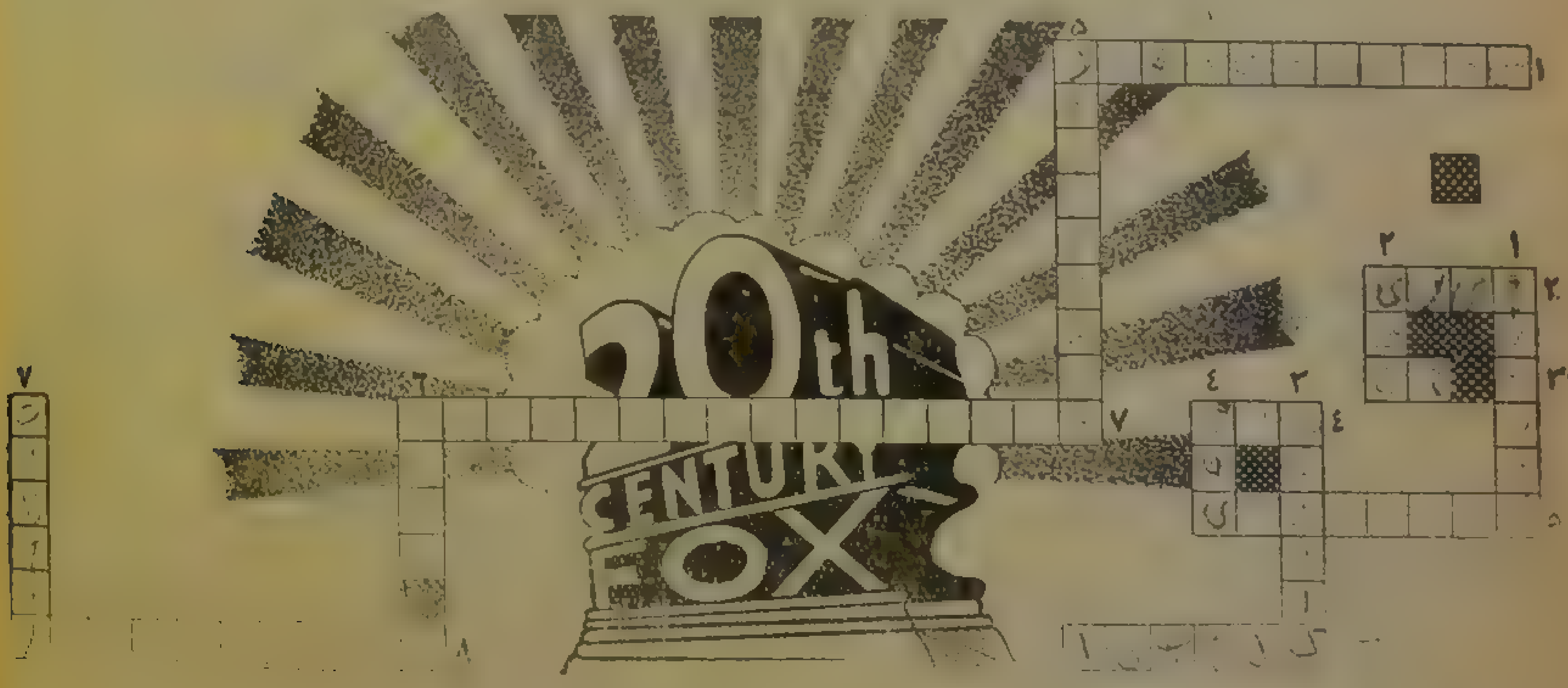

افقی:

۱- نقش «لیلیان روث» را درفیلم «فردا خواهم گریست» این ستاره هنرمند هالیوود بعهده دارد.

۲- یک فیلم تاریخی از «ویکتور ماتیور»

۳- «...فرد» را حتماً میشناسید: ایشان چندهفته پیش در تهران «گاو باز» بودند.

۴- «...ازجنایت» هم یک فیلم جنائی از «ویکتور ماتیور» بود.

۵- ستاره فیلم فارسی «رنگ شده» محصول پارس فیلم.

۶- چندیست که فیلمهای بزرگ و جالبی از این کارخانه فیلم برداری می بینیم.

۷- «لوئیس مایلستون» درسال ۱۹۳۰ برای کارگردانی این فیلم بهترین کارگردان آنسال شناخته شد

۸- هنرپیشه جوان هالیوود که او را درفیلمی باشتراک «اسپنسر تریسی»، «ریچارد ویدمارک»، و «کیتی جورادو» بود دیدیم.

عمودی:

۱- ازفیلم‌های جناب «نورمن ویزدام»!

۲- «...براینر» کچل خوش شانس هالیوود

۳- فقط یک حرف «ر» ازنام این ستاره فیلم‌های «بابیگانه‌ای آشنا شدم» و «زندانی زندا» کم دارد.

۴- «...کی» داستانسرای ساموئل گلدوین!

۵- یک فیلم قهرمانی وتجارتی از «برت لنکستر» و «جودی لاورنس»

۶- فیلمی باشتراک «پیر آنجلی» و «جان اریکسون»

۷- ستاره فیلمهای «فرار بسوی آزادی» و «شیای کوچک، بازگرد».

درصورتیکه موفق بحل این جدول شده‌اید باارسال ۲ ریال تمبر باطل نشده و باسخ صحیح جدول، دراین مسابقه شرکت کنید و ما بحکم قرعه به ۳ نفر از شرکت کنندگان ۳ جایزه شش ماهه مجله بعنوان جایزه اهدا خواهیم کرد. (این جدول را آقای (آنور بنیامین) طرح وارسال داشته‌اند)

هفته آینده — هفته آینده

در دو سینمای درجه اول پایتخت

دیانا . تهران

اراده

اولین فیلم آلمانی است که در استودیو سینما تاتر ملی ایران ـ واقع در مونیخ بکارگردانی آقای مصطفی اسکوئی بفارسی دوبله شده

دوبله ـ
زبان فارسی

اراده

NF

فیلم دراماتیک اراده که باشرکت دو هنرمند برجسته بین‌المللی

ادا بارتوک ـ اودریو رلنس

تهیه گردیده در ردیف فیلمهای زنده و باارزش جهان بشمار میرود

سوزیک فیلم نیز که برنده جایزه سال ۱۹۵۷ شناخته شده تاثیر عمیقی در تماشاچی میگذارد

اراده قویترین فیلم و محتوی سوژه آموزنده اجتماعی است که بی شک نمایش آن غوغائی بپا خواهد کرد

پاریس

[illegible]

PARIS DOES STRANGE THINGS

پاریس کارهای عجیبی میکند (کمدرام)

وارنر — رنگی (تکنی کالر)

پاریس کارهای عجیبی [illegible] اثر خالص ژان رنوار کارگردان معروف فرانسوی محسوب میگردد زیرا این شخص تهیه کننده کارگردان و سناریست فیلم مزبور بوده [illegible] که نام اصلیش در فرانسه (النا و مردان) بوده در آمریکا توسط کمپانی وارنر نمایش در میآید و معلوم نیست به چه علت چند صحنه از فیلم را [illegible] حذف کرده‌اند، [illegible] تا آنجا که اطلاع در دست هست اداره نمایشات کشور [illegible] با این فیلم نداشته است سوژه [illegible] درباره یک پرنسس زیبای لهستانی است در سال ۱۸۸۰ در پاریس که مورد علاقه مردان میباشد ولی این علاقه تا هنگامی برقرار است که این زن میتواند

[illegible]

[illegible] داستان [illegible]

[illegible] هنگامی [illegible] پرنسس [illegible] با عروس آینده خود صحبت میکند و در حالیکه داماد آینده (پسر تاجر) در تعقیب خدمتکار خویش قیافه آپارتمان [illegible] است، فقط در این صحنه و مناظر آنستکه هنر رنوار و سلیقه خالص فرانسوی در مورد صحنه‌های کمیک بچشم میخورد.

سایر هنرپیشگان فیلم بعد از اینگرید برگمن عبارتند از مل فرر که تنها کار اکثر کم و بیش عادی فیلم میباشد و در خانه دست برگمن را بدست میگیرد و ژان ماره که نقش ژنرال جوان را نسبتاً جالب ایفاء مینماید.

(خوب) — [illegible] کاپی

مارس ۱۹۵۷ — ۸۶ دقیقه

اینگرید برگمن . . . النا

مل فرر . . . هانری

ژان ماره . . . ژنرال رولان

تجزیه و تحلیل

[illegible]

رئالیستی در [illegible] و [illegible] (زاندارک) و [illegible] براین بوده که هنرمند موقعیت خود را برای [illegible] و کار [illegible] و عمق برای با گروه‌های وسیع مردم و سوژه‌های بیشماری که آماده و در انتظار فیلمسازان بوده و هستند، گسترش داده است بر فیلمسازان بود که مطالعه بیشمار سوژه و بیشمار مردمی که در اختیار داشتند دست زنند.

ترنر، پرکینز

[illegible]

او [illegible] اوقات خود را به [illegible] و دوستانش فقط (ویلیام هولدن) و (جینجر راجرز) هنرپیشگان محبوب هستند، اطاق [illegible] سانت استریت قرار دارد و آنطور که خودش میگوید بیش از یک هفته در آن بیشتر بسر نبرده است.

تاریخچه

وجود بدیهی استکه هر گاه هنرمندی بتواند بر هر دو جنبه کمی و [illegible] مادی و معنوی، تکنیکی و تجارتی آثاری که میسازد غلبه یابد مسلماً اعتبار و موفقیت بزرگی کسب خواهد نمود فرصت‌ها و امکاناتی که در عرصه فیلمهای کارتون، این هنر بدیع و

فریبنده [illegible] نهفته می‌باشد تا آنجا که قدرت تخیل یک هنرمند کارتونیست میتواند دور برود وسیع و بی‌پایان است [illegible] فیلمهای کارتون هرگز از موضوع‌های جالب و دلنشین و صحنه‌های [illegible] خالی نخواهد شد مگر آنکه [illegible] و قدرت تخیل [illegible] محدود گردد و [illegible]

«پایان»

بزودی در

سینما مولن روژ

درکنار پیاده رو

امشب در سینماهای درجه اول

تراس تابستانی دیانا سینمادنیا

آتشپاره کشتی

عالی ترین و مجللترین شاهکار چند ساله اخیر انگلستان

ویستاویژن- رنگی

باشتراك :

بریژیت باردو آتشپاره فیلمهای اروپا

دیرك بوگارد محبوب ترین هنرپیشه انگلستان

(آتشپاره کشتی) نه تنها یك فیلم کمدی مفرح است بلکه نکات شیرین انتقادی آن

تاکنون درهیچیك از محصولات مشابه دیده نشده است

شروع درسینما دیانا ۷ و نیم و ۹ و نیم بعدازظهر

سینمادنیا ۱۰ صبح - ۲ و نیم و ۴ و نیم و ۶ و نیم و ۸ و نیم بعدازظهر

فرشته یا شیطان؟

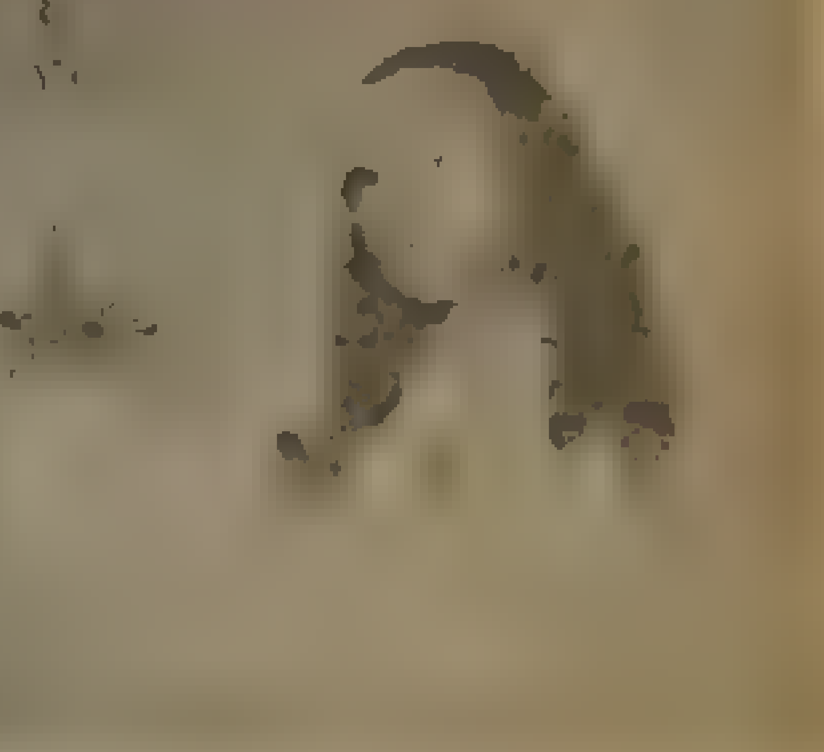

-۴۵-

دست جلوتر برده و ناگهان دچار تعجب و حیرت شدیدی شدم زیرا دیش در آورده بود چون بدستهایم نگاه کردم آنها را نشناختم دستهای سپید و لاغر و ناخنهای دراز اصلا بدستهای من شباهتی نداشت باطراف خودم نگریستم و راشل را دیدم که روی صندلی کنار تختخوابم نشسته بود و بکار برودری دوزی خود سرگرم بود و لباس نازکی پوشیده بود. راستی هوا گرم شده بود؟ چرا دیگر بخاری در اطاق نمیسوخت؟ از شدت تعجب ناگهان بخنده افتادم و صدای خنده من راشل سرش را بلند کرد، او جایش برخاست و بنزد من آمد و دستهایم را در دستهایش گرفت و در کنار تختخوابم زانو زد. باهمان حال تعجب و خنده گفتم «من ریش در آورده‌ام» پس از چند لحظه بسرفه افتادم و راشل روی میز کنار تختخواب لیوانی محتوی داروی تلخی برداشت و مرا بخوردن آن وادار کرده و آنگاه سرم را با دست روی بالش گذارد. از این حرکت او خاطرات گذشته بتدریج در مغزم زنده گردید... پرسیدم «آیا اورا بخانه‌اش رساندی؟»

راشل گفت «آری، خاطرت آسوده باشد. او چند هفته پیش از اینجا رفت».

«گمان میکنم من بیمار بوده‌ام»

«خدا بتو رحم کرد. تو عمردوباره‌ای یافته‌ای»

«چه ناخوشی داشتم؟»

«تو مبتلا به منتزیت شده بودی. اگر نیروی جوانی و بنیه قوی تو نبود بدون تردید مرده بودی. زنده بودن تو به معجزه شباهت دارد».

«چطور شد من خوب شدم؟»

«راستش را بخواهی من بمعالجات دکتر های اینجا چندان ... ندارم بهمین جهت از ریشه گیاهان طبی مایعی درست کردم که ... آن تو تزریق کردند و ... اندازه زیادی در سلامت تو مؤثر واقع شد».

«گمان میکنم حالا حالم آنقدر خوب شده باشد که بتوانم ... برخیزم».

... ...

... میگفت من ... ... جایی ... راه رفتن افتاده

باشد باهایم ... ولرزان بود ... هر چه تمام ... رفته را باز می‌یابم

... ...

بتدریج امتداد ... آنرا در ... ... و بلای ... بوده ... درخت ... دانه‌های سبز ... بگیرد ... دانه‌های مزبور ... و ... بود لحظه که تاملین بدنبال من روان بود گفت «آقا جانم خیال دارند از اینجا بروند؟» وقتی باو اطمینان داده چنان خبری صحت ندارد گفت: «اینطور که از مستخدمین شنیده‌ام، خانم منتظر هستند حال شما کاملا بهبودی یابد و آنوقت بایتالیا برگردند». از شنیدن حرفهای تاملین تعجب کردم و با خود اندیشیدم که فقط انتشار خبر ازدواج ما بتمام آن شایعات خاتمه خواهد داد.

آنشب پس از صرف شام برای ... گفتم «باز شایعات تازه‌ای سر زبانهاست. از قرار معلوم تو خیال داری بفلورانس بازگردی» وی در جواب گفت «برای تصمیم گرفتن در این باره وقت زیادی داریم. فعلا مهمترین مسئله بهبودی کامل تست» با کمال تعجب متوجه شدم که وی اصل مطلب را تکذیب نمیکند. از او پرسیدم «هنوز ویلا را نفروخته‌ای؟»

«نه ... خیال فروش یا اجاره دادن آنرا ندارم. حالا وضعی پیش آمده است که از عهده نگهداری آن برمیآییم».

«پس خیال داری زمستان‌را در آنجا بگذرانی» راشل حرف مرا تائید کرد ولی افزود که فعلا لزومی ندارد در باره آن صحبتی شود ولی من ... توضیحات بیشتری از او خواستم و ... باو گفتم دیگر میل ندارم هر کدام تنها در اطاق خودمان باشیم و ... است خبر ازدواجمان را باطلاع همه برسانیم.

راشل با حیرت و تعجب گفت «ما که باهم ازدواج نکرده‌ایم این چه حرفیست میزنی؟» چون اصرار و ابرام من در مورد ... گفته‌هایم از طرف راشل به نتیجه نرسید ناگهان متوجه شدم ... تصور میکردم رویا و آرزوئی ... بوده است و در مدت ناخوشی و بیهوشی نزد خود خیال میکردم که واقعا با راشل ازدواج کرده‌ام.

آنگاه راشل شروع ... ... موهایم ... کرده گفت ... بیهوده خودت را ناراحت نکن تو بزودی خوب میشوی و تمام این صحبتها را فراموش میکنی هرچه باشد من ... دیگری ... دارم و ... این سرزمین ... ما ... هم خواهیم آمد و ... خواهم ... خوب ... هر ... لازم باشد در املاک ... خواهم ... در اینجا ... ناراحتی و ... خاطر ... خواستم تا موقعیکه کاملا خوب نشده‌ام مرا ترک نکند

برنامه آینده

سینمار کس فضای باشکوه سینماری

شاهکار تمام رنگی کمپانی « آر . ك . او » يك سرگذشت حقیقی

انتقامجو

باشتراك کرنل وایلد محبوبترین ومعروفترین هنرپیشه امریکا ایوون دوکارلو زیباترین ستاره فیلمهای عالی

فیلم (انتقامجو) مسلما توجه عموم را نسبت بخود جلب خواهد نمود و برای همیشه خاطره آنرا فراموش نخواهید کرد

سینمار کس مطابق معمول در فصل تابستان نیز بنمایش فیلمهای بزرك وعالی ادامه خواهد داد
ودستگاه تهویه این سینما خستگی ناشی از گرما را از شما خواهد زدود

امشب در سینما

خورشیـــد

عالیترین و مهیج ترین فیلمی که تاکنون از سرگذشتهای

قهرمان معروف «تارزان» تهیه شده بنام

تارزان و کنیز

برای اولین مرتبه بمعرض نمایش گذاشته میشود

باشتراك

لکس بارکر

ورزشکار معروف امریکا و

ایفا کننده رل تارزان ... بعقیده

نویسندگان اروپا لکس بارکر

برای نقش تارزان آفریده شده است

دنیز دارسل

ستاره زیبای فرانسوی که اخیرا

فیلم «ورا کروز» را از او دیده ایم

تارزان و کنیز

فیلمی است که مدت دو ساعت

تمام شمارا محسور خود

خواهد نمود

در تراس باشکوه

سینما کریستال

ویکتور ماتیور

محبوب‌ترین هنرپیشه فیلم‌های «زراك‌خان» و «سافاری» در فیلم جنائی و هیجان‌آور :

کازینو

فیلمی که کوچک و
بزرگ از تماشای آن
لذت خواهند برد و
دو ساعت را در التهاب
و هیجان خاصی
خواهند گذرانید

کازینو

در زمره جالب‌ترین
آثار جنائی است که
کمپانی معظم (آر .
ک . ئو) افتخار پخش
آنرا در جهان
داشته است

با شرکت :

تری‌مور

زیباترین ستاره جدید هالیوود که تازگی
محبوبیت بین‌المللی بدست آورده است

ویلیام بندیکس

هنرپیشه معروف فیلم (ماکائو)

ایجادکننده یك فصل نوین در تاریخ سینمائی ایران

سینمای بزرگ سعدی

نمایش دهنده بهترین فیلمها

یك شاهکار جاودان و بزرگ هنری

دو کودك

«رنگی»

JOHN & JULIE

موارا لیستر
کنستانس کامینگز
سیدنی جیمز
ودوطفل هنرمند
کولن جیسون
(در نقش جان)
لسلی دادلی
(در نقش جولی)

«دو کودك» فیلم بزرگی است که در قالب یك اثر عمیق و پر ارزش اجتماعی